

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال هفتم
۲۴ اول آبان ماه ۶۹ - شماره

۱۲ صفحه ۵۰ ریال

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت

درباره سفر مجدد کالیبدویل به ایران

به قرار اطلاع کالیبدویل که در نخستین سفر خود به ایران طی یک معاوضی کثیف آن گزارش شرم آور را برای سرپوش گذاشتن بر جنایات دیکتاتوری تروریستی و ضد بشری خمینی ارائه داد، مجدداً تحت غیب‌نویان تهیهی گزارش دربارهی وضعیت حقوق بشر در ایران عازم تهران شده است. گزارش پیشین این شخص از سوی دژخیمان رژیم خمینی نظیر لاجوردی قصاب اویسن بغایت مورد استقبال و تمجید رسمی قرار گرفت، اما از سوی مردم و مقاومت ایران و مدافعان حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان بمثابه خنجر و خیانت به حقوق بشر محکوم گردید. گزارشی که نتیجه گیری‌ها و نزدیک به دو سوم تمامی متن آن مشخصاً به سود رژیم خمینی و جنایات آن تنظیم شده ۲۶ پاراگراف آن نیز به دروغ‌های حیرت آور و متنفر انگیز علیه مجاهدین و مقاومت ایران اختصاص یافته است. حال آنکه مقاومت ایران توسط شهید بزرگ حقوق بشر دکتسر کاظم رجوی قبل از سفر کالیبدویل ۱۱ مجلد کتاب شامل مجموعه‌ی سی نظیری از اسناد و مدارک و آمار و ارقام و گزارش‌های دقیق شکنجه و اعدام در زندان‌های رژیم خمینی در اختیار وی قرار داده بود. علاوه بر این ۲۰۰۰ نامه نیز از شهید قابل دسترس و لیست اسامی و مشخصات دقیق و کامل ۱۶ هزار اعدام شده نیز توسط مقاومت ایران به وی داده شده بود. اما کالیبدویل در یک سفر کوتاه یک هفته‌ای به تهران، به جای تحقیق دربارهی این اسناد، تمام وقت خود را به ملاقات با سران ارگان‌های سرکوبگر رژیم خمینی اختصاص داد و در گزارش خود نیز به تکرار دروغ‌ها و دعاوی مجعول ایدای رژیم بسنده نمود. فی‌المثل کالیبدویل که در گزارش خود هرگز به لیست اسامی و مشخصات ۱۶۰۰۰ اعدام شده تیرداخته بود، همدست و هم‌دبا دژخیمان به تلاش سخره و شرم آوری برای بی اعتبار کردن آن لیست مبادرت ورزید و به ایسی منظور در گزارش خود نوشت ۴ نفر از اسامی لیست ۱۶۰۰۰ اعدام شده به کفایت رژیم زنده هستند. در حالیکه اگر به لیست مزبور نیم نگاهی هم می‌کرد بسادگی درمی‌یافت که اسامی ۲ نفر از ۲ مزبور یعنی اسماعیل رزمی و سفری نزهادی توسط خود رژیم از طریق رادیوی دولتی بتاريخ ۲۶/ مهر/ ۶۱ و روزنامه‌ی اطلاعات بتاريخ ۸/ مهر/ ۶۰ رسماً اعلام گردیده است. همچنین صرفاً به استناد اظهارات یکی از سردخیمان رژیم آ آخوند زکریا تصریح کرده که اعدام زندانیان سیاسی تحت عنوان قاچاقچی صحت ندارد و اساساً مگر اعدام یک زندانی سیاسی نام محمد تاجی تحت عنوان قاچاقچی گردیده است، اسناد این مورد نیز اگر کمترین

در صفحه ۲

بحران خلیج فارس و ژرفش تضادهای رژیم

بخودی خود برای رژیم می‌توانست مطلوب باشد، اما انعکاس این وضعیت در درون رژیم نوام با اوج گیری دخالت جناح موسوم به "خط امام" در سیاست روز و در زاویه قرار گرفتن جناح مشاییل به غرب که در رأس آن رفیق‌جانی قرار گرفته است، بود. به شکلی گسسته خامنه‌ای که ظاهراً ممانعت جناح "خط امام" را ناپسندگی می‌کرد در رابطه با بحران خلیج به فریاد آمده و در سبک سخنرانی باحمله شدید به آمریکا سلیمانان جهان را به "جهاد" علیه نیروهای آمریکایی فرا خواند. در همین حال نمایندگان این جناح در مجلس از جمله صادق خلخالی و مهدی کروبی هر کدام به نوعی خواهان ایجاد جبهه‌ای بر علیه حضور نیروهای آمریکایی در خلیج گردیدند. به گزارش رادیو رژیم در تاریخ ۳ مهر سازمان تبلیغات اسلامی با انتشار یک اطلاعیه از امت آمریکایی بهر سو در جهان دعوت کرد، جهت مبارزه بی‌امان با آمریکا دوری راهمایی بزرگ میثاق با رهبری و اعتراض به حضور سگ‌ننگان در خلیج فارس، شرکت کنند. به گزارش خبرنگاری فرانسه در این راهمایی که در روز جمعه ۶ مهر ماه برگزار شد حدود ۱۰ هزار نفر با شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل شرکت کردند.

در ۴ سپتامبر اسناد جمعی از رهبران اخوان المسلمین از کشورهای مختلف اسلامی وارد تهران شدند. سرپرست این هیئت محمد عبدالرحمان خلیفه ضمن تشریح اهداف سفرهای به تهران، تجاوز آمریکا به منطقه را محکوم کرد و گفت: "این تجاوز منطقی نبوده و برای مسلمانان بسیار ناگوار است." محتشمی یکی از سردمداران جناح "خط امام" نیز با انتشار یک

در صفحه ۲

بحران جاری خلیج فارس که ابعاد آن بصورت افزایش یابنده بر روی مسائل منطقه و به تبع آن بر مسائل جهانی اثر گذاشته، تاثیر شگرفی در اوج گیری بحران‌های لاعلاج رژیم خمینی و شدت یابی تضادهای باند ها و دستجات داخلی آن داشته است. تاخاستم و تضادات ناشی از عدم پذیرش هژمونی دسته‌ای بر دسته دیگر، باندها و جناح‌های رژیم راه به درگسری فیزیکی کشانده و در این میان مقامات بالای رژیم نیز از تعزیتی محمون نمانده‌اند.

رژیم درگیر در منجذاب نیستی، با شروع بحران خلیج فرصتی پیدا کرده بود تا از صحنه سر این بحران خودنمایی و عرض وجود کرده و تالان‌های به قدر قدرتی تظاهر کند. در همین حال با کمبود نفت در بازار جهانی و بالا رفتن قیمت آن که ناشی از سطح پائین عرضه آن بود، رژیم توانست نفت خود را با قیمتی تقریباً ۲ برابر قیمت سابق به بازار عرضه کند. از در پیچیده تحولات سیاسی در منطقه بدلیل وضعیت استراتژیک ایران طرف‌های درگیر در بحران خلیج از زاویه جلب نظر رژیم به دادن امتیازاتی به آن پرداختند که مجموعاً وضعیت نسبتاً مناسبی برای سابق‌های راس‌های رژیم به مدت کوتاهی هموار کرد. رژیم در این وسط قدم خود را برای سیانه بازی به میان نشان داد و در حالی که برای تخفیف تضادهای درونی مواضع متناقض می‌گرفت، از طرفی به مذاکره با عراق و پذیرش و زبر خارجه این کشور و مذاکرات مربوط به اجنبی‌رای قطنامه ۵۹۸ ملل متحد و خانمه حالت نه جنگ، به صلح پرداخت و از طرف دیگر به روشنی بازی قبلی رابانسان دادن گوایش نزدیکی به غرب ادامه داد. این حالت و وضعیت سیاسی که ایران درگیر آن است

در این شماره :

گزارشی از السالوادور

(۳)

در صفحه ۹

سنگر مقدم: لنینیسم

(۲)

منصور امان

در صفحه ۵

- کشتار فلسطینیان توسط ارتش اسرائیل
- سفرانی فیفل کاسترو
- محکومیت اسرائیل در شورای امنیت
- اطلاعاتی‌ای از دفتر مجاهدین خلق ایران در پاریس
- تسلیم میشل عون
- و حجت دو آلمان
- برنامه اقتصادی جدید شوروی
- سقوط هواپیماهای جنگی آمریکا

برخی از رویدادهای تاریخی در صفحه ۱۲

شهادت فدایی در آبان ماه در صفحه ۱۲

در صفحات ۲ و ۳ و ۱۱ و ۱۲

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

بحران خلیج فارس و ژرفش تضادهای رژیم

از صفحه ۱

اطلاعی در رسانه‌ها "بیان" که خود وی منتشر می‌کند "نیروهای مسلحان راه حمله مستقیم علیه کشتیهای خارجی، کابهای پادشاهان و شیوخ کشورهای منطقه" خلیج فرخواند و نوشت: "با اولین گلوله‌ای که از طرف سربازان امریکایی شلیک شود منطقه به یک آتشخشان خونت بار که حوزه‌های نفتی راه آتش خواهد کشید تبدیل می‌گردد. اکنون باید از سرکز کینه‌ای که سه بوسه جاسعه سلمانان نسبت به حضور امریکسا و غرب در خلیج فارس احساس می‌شود، برای مهیا ساختن طرحی جدی جهت مقابله خونت بار استفاده کرد." احمد خمینی نیز که برای جمعی از اسرای جنگی آزاد شده سخنرانی می‌کرد ضمن سرودن سرود وجود جناح طرفدار غرب در ایران گفت ما قویا با هر شکلی از مداخله نیروهای خارجی در خلیج فارس مخالف هستیم.

سفارت حافظ اسد متحد جدید امریکا در صدد بندی مقابل عراق در بحران خلیج فارس به ایران و مذاکرات وی با رفسنجانی و خامنه‌ای و تلاشهای وی به جلب رژیم در مخالفت با طرحهای عراق و بستن راه زمینی خود بر روی صادرات و واردات این کشور، نشان باند های حاکم را شدت بخشید. در بیانیه مشترکی که همزمان در تهران و دمشق انتشار یافت طرفین در موارد مختلف نظرات خود را هماهنگ کرده و بخصوص در زمینه مسائل منطقه‌ای به دیدگاه مشترکی که در واقع خواسته‌های سوریه را در بر می‌گرفت رسیدند.

در این بیانیه آمده است: "طرفین پیرامون رویدادها و جریانهای اخیر در پرتو تجاوز عراق به کویت به بحث و گفتگو نشسته‌اند. دورتیس جمهور ضمن محکومیت اعلی تجاوز، اشغال کویت توسط عراق را شدیداً محکوم نمودند و آنرا اقدامی در جهت تزلزل امنیت و ثبات منطقه دانسته که بهانه لازم را جهت حضور بیگانگان در منطقه فراهم نموده و همین امر خطر شدیدی را برای ملت‌ها و دولت‌های منطقه بوجود می‌آورد. دو رئیس جمهور بر این اعتقادند که از بین بردن این خطر از منطقه، تنها از طریق تلاش در محو آثار تجاوز عراق و پایان بخشیدن به حضور بیگانگان امکان پذیر خواهد بود. در همین راستا روسای جمهور دو کشور لزوم عقب نشینی بسی قیود شرط نیروهای عراقی از کویت و اعاده استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی این کشور به گونه‌ای که امکان بدست آوردن هیچگونه دستاوردی برای کشور متجاوز فراهم نشود را مورد تأکید قرار دادند. همچنین روسای جمهور دو کشور عدم قبول هرگونه تقبیری در نقشه سیاسی منطقه را اعلام داشتند و متفقاً بر این باورند که هرگونه ابتکار عمل سیاسی در رابطه با بحران خلیج فارس باید بر اساس تفهیم نشینی کامل و بی قید و شرط از خاک کویت باشد تا به تنگنای منطقه بدور از هرگونه کشمکش و درگیری بماند." بدینسان انتشار این بیانیه رژیم در وضعیت دیگری قرار گرفت. در درجه اول مسئله حمله سردمداران جناح موسوم به "خط امام" در دستور کار جناح رفسنجانی که در این موقع از حمایت خامنه‌ای هم برخوردار شده بود قرار گرفت.

ولایتی در مباحثه‌ای که با شبکه تلویزیونی سی ان ان امریکا داشت در جواب به سوال در مورد تظاهرات ضد امریکایی در ایران گفت: "ما بر علیه حضور دائمی سربازان خارجی در آن منطقه خلیجی حساس هستیم. این موضع رسمی ماست اما آن دعوت از جانب دولت انجام نگرفته است."

رادیو رژیم در ۵ مه‌ماه گزارش داد که شیخ ناصر محمدی لاجند وزیر مشاور در امور خارجی دولت کویت که حامل پیام امیر کویت برای رفسنجانی است، برای رفتن به تهران وارد شد و در محل وزارت خارجه با بهارشی قائم مقام وزیر خارجه دیدار کرد. شیخ ناصر از مواضع "اصولی" ایران در قبال این مسئله قدر دانی کرد و اظهار داشت: "مادر این مسئله دوست و دشمن خود را شناختن و بی شک روابط آینده میان دو کشور و همچنین کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی بر بنیاد این شناخت به شکوفائی بیشتر خواهد رسید." در همین حال به گزارش رادیو رژیم تبادل آسرا بین ایران و عراق متوقف گردید.

اقداماتی که جناح رفسنجانی در حذف مخالفین خود انجام داد، مرابداً با حذف نمایندگان جناح مخالف از شرکت در مجلس خبرگان آغاز گردید. از جمله معروف ترین کسانی که صلاحیت آنان برای مجلس خبرگان از طرف شورای نگهبان رد شد، می‌توان مهدی گروسی رئیس مجلس ملی، اکبر محتشمی نماینده مجلس و صادق خلخالی نماینده دیگر مجلس موسوسی اردبیلی و غلامحسین جمی امام حسین را نام برد. بدینسان حذف این افراد به گزارش روزنامه رسالت چندین نفر از نمایندگان مجلس در مخالفت با این امر سخنرانی‌هایی کردند. شورای نگهبان در سه روحانیت صادق خلخالی و موسوی اردبیلی را غیرکافی ارزیابی کرده و کاندیداتوری آنها را در این انتخابات ممنوع، اما احمد خمینی را واجد شرایط اعلام کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، صادق خلخالی شورای نگهبان را به پایمال نمودن قانون اساسی و سخنان امام متهم نمود. در این حال تعدادی از نمایندگان "خط امام" در اطلاعیه‌ای که از تریبون مجلس توسط دوردوزانی قرائت شد، در "رهبر" خواستند تا "نقطه‌ای آنها را که تلاش دارند اسلام امریکایی را بر ایران حاکم کند خنثی سازد."

در ضمنه بین الطللی نیز ولایتی وفاداری ایران در رعایت تحریم اقتصادی سازمان ملل علیه عراق را اعلام کرد و گفت ایران با عراق وارد معاملات نفتی نخواهد شد و ارسال نفت عراق به ایران را تکذیب کرد.

حذف نمایندگان وابسته به جناح مخالف رفسنجانی باعث شد تا ۳ تن از کاندیدهای مجلسی خبرگان به نامهای موسوی خوشینی ها، محمدرضی توفلی و محمد واعظ عباسی در نامه‌های جداگانه‌ای به نوری دربرگشور اعلام انصراف از شرکت در مجلس خبرگان را بنمایند. معنوی گرگ‌ها در مجلس آخوندها منجر به نگرینی میریکی و در نتیجه تعطیل مجلس گردید. در این رابطه به گزارش خبرگزاری فرانسه "نمایندگان گرایش های سخت و مفرط در پارلمان

ایران امروز به بحث‌های بسیار خونت بار خود پیرامون انتخابات مجلس خبرگان ادا شده دادند. احمد زمانیان نماینده نهاوند ضمن انتقاد از سخت سران، آنان را متهم نمود که "مشروعیت رهبر، رئیس جمهور و شورای نگهبان را به زیر علامت سوال برده‌اند." وی "نیات خرابکارانه" جناح رادیکال پارلمان را افشاء نمود. سخنرانی زمانیان عکس العمل‌های شدیدی نمایندگان رادیکال را موجب گردید و جلسه اجتناباً تعطیل گردید.

جناح رفسنجانی که در مجلس آخوندی اقلیت دارد توانست با درپیش گیری سیاست حذف رقبا و حمایت ضمنی خامنه‌ای تقریباً کلیه ۸۲ کرسی انتخاباتی را در مجلس خبرگان بدست آورد. این شکست جناح "خط امام" را بسیار تضعیف کرده و آنها را وادار به سازش می‌نماید. اما اصل موضوع در اینجاست که خود رژیم در کلیت خود از تفادهای درونی و کشمکش‌های با لاجبار، آینده خود را بخوبی تیره دیده و در بحران خلیج هرگامی را با وحشت مرگ بر می‌دارد. روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ یازدهم مه‌ماه در مقاله‌ای این وحشت را به درستی بیان می‌کند و می‌نویسد: "به طور مسلم سیاستی که غریب‌ها در حال حاضر در پیوسته روابط با جمهوری اسلامی دنبال می‌کنند در وهله اول شتایل کردن جمهوری اسلامی به نقطه مخالف عراق در منطقه است. آنها وحشت دارند که تهران به زنجیره تحریم اقتصادی علیه عراق نیبوند. کشورهای حوزه خلیج و دوستان منطقه‌ای امریکا نیز در همین راستا به تحکیم روابط با ایران تمایل نشان می‌دهند. طبیعی است که ما استقبال این کشورها برای ایجاد رابطه با ایران را مورد توجه قرار دهیم، لکن با علم به واقعیات موجود دور از انتظار نخواهد بود در صورت حل بحران منطقه، در آینده شاهد مسائلی همچون سلمان رشدی در غرب و سایر خورده ساقفانه سعودی‌ها در امام حج باشیم. نتیجه اینکه نباید تمام تخم مرغ‌های خود را در یک سبد، به امید یک چشم انداز و سوسه کشنده قرار دهیم. نکته‌ای که از نظر ما نباید پنهان بماند اینست که دوطرف مناقشه هیچکدام طرفی نیستند که ما مجبور باشیم بر اساس اصول حقه خویش "منافع ملی" را به نفع هر یک از آنها به خطر بیندازیم. سیاست ما باید به صورتی باشد که این موضوع به کسانی که دارای‌های مازایلوکه کرده‌اند و باطنی ۹ سال جنگ تحمیلی دلارهای نفتی خود را در اختیار بغداد قرار داده‌اند، تفهیم شود."

مخالفت و مقاومت جناح "خط امام" در مقابل سیاست‌های رفسنجانی از طرف، این جناح به شدت فعال می‌شود و خود را در هر حرکت جناح رفسنجانی نشان می‌دهد. به گزارش رویتر علی‌رغم دعوت خامنه‌ای از رادیکالها مبنی بر پایان دادن معنوی انتخاباتی رهبران جناح "خط امام" به این دعوت توجیحی نگردید و مخالفت‌های خود را نشان می‌دهند. روزنامه ایران در سرمقاله دوازدهم مه‌ماه تحت عنوان "مردم در مسیر انجام تکالیف شرعی و ملی" به ناخشنودی مردم از رفتار نمایندگان و مقامات بسالای رژیم اشاره دارد و با اشاره به "خواست مردم" در ارتباط با حفظ مصالح نظام مقامات رژیم را به عدم دامن زدن به این اخلاقات فرا می‌خواند.

اخبار و رویدادها ...

اقتصادی را که قرار است طی ۵۰۰ روز اقتصاد شیروزی را از نظام متمرکز کمونیستی به یک نظام بازار آزاد تبدیل کند، به تصویب رساند. ۵۶ نماینده در این رای گیری شرکت نکردند. قرار است یک فدراسیون از جمهوری های شوروی با اقتصادی مبتنی بر تجارت خصوصی، مزارع شخصی و بازارهای بورس و فیوچرز سهام کارخانجات بوجود آید. در همین رابطه رادیو آمریکا ۳ مهر گزارش داد که "شورای عالی شوروی نتوانست در مورد یک طرح مشخص برای انتقال سیستم اقتصادی کنونی به توافق برسند. طرح نهایی هر چه که باشد نقطه عطفی در تاریخ ۲۰ سال اخیر شیروزی خواهد بود."

شوروی

بدنبال شایعات مربوط به استقرار نیروهای ارتش سرخ در اطراف مسکو خبرگزاری رویتر ۲ مهر گزارش داد "امروز وزیر دفاع شوروی تکذیب کرد که ارتش در حال طرح ریزی یک کودتا علیه دولت گورباچف می باشد. او گفت استقرار هزاران سرباز در اطراف مسکو به دلیل آماده شدن برای یک رژه و کمک به کشت سالیانه سیب زمینی می باشد. یازوف به مجلس شوروی گفت: "هیچکس در حال آماده ساختن سربازان برای اقدامی علیه مردم نمی باشد."

قیمت نفت

به دنبال بحران قیمت نفت، بهای نفت به بالاترین سطح خود در ۱۰ سال گذشته رسید و قیمت سهام در بورس های جهان سیر نزولی پیمود. در لندن بهای نفت برای تحویل فوری به بشکه ای ۴۰ دلار رسید. ۴۰ میلیون به گزارش بی بی سی ۳ مهر ماه در طول روز بهای نفت خام دریای شمال از نوع برنت برای تحویل ماه نوامبر مجددا کاهش یافت و به اندکی بیش از هر بشکه ۳۸ دلار در لندن رسید.

تفویض اختیارات جدید به گورباچف

به گزارش رادیو مسکو ۲ مهر: شورای عالی شوروی پس از مباحثات شدید تصمیم گرفت هنگام گذار کشور به اقتصاد برامل عرضه و تقاضا به رئیس جمهور اختیارات ویژه ای واگذار کند. گورباچف ضمن سخنرانی در پارلمان تاکید کرد که وضع فعلی طور است که عملکرد بسیار موثر و ضربتی حاکمیت را طلب می کند. وی گفت تمام مردم در انتظار اتخاذ تدابیری بیامون تثبیت اقتصاد هستند. اختیارات ویژه در این زمینه برای یک دوره محدود یعنی تا ۳۱ مارس سال ۱۹۹۲ به رئیس جمهور واگذار شد.

به گزارش بی بی سی گورباچف با استفاده از اختیارات اجباری جدیدی که پارلمان شوروی به وی تفویض کرده است فرمانی صادر کرد که به موجب آن موسسات اقتصادی شوروی بعنوان نخستین گام به سوی اقتصاد بازار آزاد می توانند نرخ های عمده فروشی را از طریق گفتگو با خریدار تعیین کنند بی آنکه تابع نرخ های تعیین شده از طرف مرکز باشند.

سخنرانی فیدل کاسترو

به گزارش خبرگزاری رویتر ۷ مهر، فیدل کاسترو در یک سخنرانی گفت: "بحران خلیج و تغییراتی که در شوروی انجام گرفته برای کوباییان آور بوده و بسیاری جلوگیری از سقوط اقتصادی و سیستم کمونیستی کشورش تقاضای از خود گذشتگی های بیشتری کرد. وی در یک سخنرانی ۳ ساعت و نیمه برای روسای کمیته های بلوک همسایگی روز جمعه گفت: " غیر ممکن است بتوان پیش بینی کرد وضعیت در سال ۱۹۹۱ چه خواهد بود. ما که مجبور شویم با کمتر و کمتر و حتی متغیر نیز کار کنیم." کاسترو به اختلافات فزاینده در ادارات نفت و دیگر مواد خام از شوروی و همچنین طرح شوروی برای تجارت با ارز قابل تبدیل در بازار جهانی از سال ۹۱ به بعد اشاره نمود. کاسترو گفت: " برای اینکه کوبا بتواند به خرید ۱۳ میلیون تن نفت سالیانه خود از شوروی ادامه دهد باید سالیانه ۲۶ میلیون تن شکر بفروشد که این غیر ممکن است چون این رقم سه برابر برداشت محصول سالانه است. و تقریباً اجتناب ناپذیر است که کوبا متوسل به یک طرح اضطراری و شدید اقتصادی نشود. وی افزود: " محدودیت های فعلی ممکن است بسیار جدی تر شود. پس چکار خواهیم کرد؟ انقلاب، استقلال و سوسیالیسم دست برداریم؟ هرگز! ما باید کشور، انقلاب و سوسیالیسم را حفظ کنیم. این کار ما است." کاسترو گفت: شوروی با وجود مشکلات اقتصادی خود تلاش زیادی انجام می دهد تا به تعهدات خود در مقابل کوبا پایبند بماند. کاسترو نتیجه را که وی فشار و شکنجه بر مسکو به قطع تجاری و کمک به گویا نامید " ترم آور " خواند و آنرا محکوم نمود. رهبر کوبا بدون هیچگونه وارد جزئیات بود گفت: " حتی کسانی در شوروی هستند که از این نظریه بسیار خوشحال هستند."

سقوط هواپیمای جنگی آمریکا در عربستان

به گزارش رادیو آمریکا ۹ مهر: "بر اثر سقوط یک جت جنگنده نیروی هوایی آمریکا در عربستان دو خلبان نیروی هوایی ایالات متحده کشته شده اند. حادثه دیروز در جنوب عربستان و به هنگام یک مانوریت آموزشی که شامل پرواز هواپیما در ارتفاع بسیار کم بود، روی داد." مرکز گزارش دیگری از صدای آمریکا به تاریخ ۱۶ مهر آمده است: " امروز یک جت نظامی آمریکا در عربستان سقوط کرد و دو سرنشین آن کشته شدند. این حادثه زمانی روی می دهد که نیروهای آمریکایی در دریای عربستان در جستجوی ۸ خدمه دو هلیکوپتر مفقود شده هستند. مقام های نظامی آمریکا گفتند یک جت شناسایی در طی دیروز و امروز در ناحیه ای در جنوب صحرائ عربستان سقوط کرد و برای پس بردن به علت این حادثه تحقیقاتی آغاز شده است. در رابطه با سرنگون شدن دو هلیکوپتر مزبور خبرگزاری رویتر ۱۶ مهر گزارش داد که دو هلیکوپتر آمریکایی متعلق به ناوا کیناوا طی پرواز برای ماسوریست آموزشی در شمال دریای عمان مفقود شده اند."

دستگیری رئیس پلیس مخفی سابق آلمان شرقی

رادیو آمریکا گزارش داد: " پلیس آلمان اکنون سرگرم جستجوی ستاد مرکزی سازمان منحل امنیت آلمان شرقی است. پلیس آلمان، از یک میلکه رئیس

سابق پلیس مخفی آلمان شرقی را که ۸۲ سال دارد، دستگیر کرده. پلیس آلمان اکنون مشغول بررسی اتهامات وارده بر میلکه است. از جمله این اتهامات تعقیب و آزار مخالفان و نامین مامن و پناهگاه بسیاری تروریست های آلمان غربی است."

سفر گالیندو ویل به ایران

مخبره گزارش خبرگزاری رزم: " رینالدو گالیندو - پل فرستاده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در چارچوب همکاری بین ایران و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل روز دوشنبه ۱۶ مهر وارد تهران شد."

کشتار فلسطینیان توسط ارتش اسرائیل

پلیس اسرائیل با کوشش آتش بر روی تظاهرات مردم فلسطین در اورشلیم ۱۲ فلسطینی را بخراب گلوله ازبای در آورد و حدود ۱۵۰ نفر را زخمی کرد. این جریان بدنبال تجمع فلسطینیان در اطراف مسجد الاقصی سومین مکان مقدس مسلمانان جهان - بمنظور جلوگیری از ورود یک گروه یهودیان ناسیونالیست افراطی که قصد برپایی بنیاد رادریخل مسجد داشتند بوقوع پیوست. یهودیان بعد از نمایش در کنار دیوار تابه شروع به راهپیمایی بطرف مسجد نمودند. فلسطینیان برای صانعت از این کار شروع به سنگ اندازی نمودند که با حمله پلیس روبرو گشتند. سازمان آزادیبخش فلسطین بلافاصله خواستار اقدامات فوری شورای امنیت سازمان ملل متحد بمنظور حفاظت از جان فلسطینیان در سرزمین های تحت اشغال شد. بنام ابوشریف سخنگوی صاف در گفتگویی مطبوعاتی خواستار بایکوت کشورهایی که به اسرائیل سلاح یا کمک مالی کرده و یا بر عقب نشینی آن کشور از کناره باختری و نوار غزه فشار نمی آورند گردید. ابوشریف آمریکا را مسئول و مقصر آشوب اخیر در مناطق اشغالی نامید. ناوبر بریزدو کوشیلارد دبیر کل سازمان ملل متحد مقامات اسرائیل را به زیاده روی از زور برای متفرق ساختن ناآرامی منتهی ساخت. وی گفت از آشوب روز دوشنبه اورشلیم "شوکه و بسیار نگران است". در رابطه با این کشتار در عراق ۳ روز عزای عمومی اعلام شد. به گزارش رادیو کلن شوروی از سازمان ملل خواست که در مورد فلسطینی ها نیز به همان اندازه که در مورد کویت اشغال شده از طرف عراق اقدام می کنند اقدام نماید.

سفر قائم مقام وزیر خارجه عراق به ایران

رادیو عربی بغداد در هجدهم مهر اعلام کرد که هیاتی به ریاست و سام الزهاوی قائم مقام اول وزارت خارجه به منظور مسأله دیدارها بین مسئولین و بررسی موضوع اسیران جنگی وارد تهران می شود. وی اظهار داشت، که عراق کلیه اسیران ایرانی نبرد خود را آزاد کرده در حالیکه هنوز تعداد بسیاری از اسیران عراقی در ایران هستند که برخلاف وعده های طرف ایرانی هنوز آزاد نشده اند.

سرنگونی هواپیماهای آمریکایی

خبرگزاری رویتر ۱۸ مهر: " وزارت دفاع آمریکا اعلام داشت در طی پرواز آموزشی شبانه در منطقه خلیج اوایل بمباران امروز یک بمب افکن F-۱۱۱ نیروی هوایی آمریکا دچار سانحه شده و دوسرنشین آن کشته

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱

نگاهی به مدارک می‌گرد، بسادگی درمی‌یافت که خیر اعدام محمد ناجی تحت عنوان قاچاقچی در روزهای ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت در روزنامه‌های حکومتی (رسالت و جمهوری اسلامی) درج شده است...

بی سبب نبود که آن گزارش ننگین راه را بر هیچ‌ترین جنایات ضد انسانی آخوندهای حاکم در داخل کشور و اقدامات تروریستی آنان در خارج از ایران باز کرد و مشخصاً ترور نماینده شورای ملی مقاومت ایران، دکتر کاظم رجوی را در خانه کشور بی طرف و در مرکز اروپای ملل متحد، در پی داشت. این ترور جنایت بار که بوضوح آن روی سگه گزارش گالیندویل را نشان داد، عمیق‌ترین و پرتوانترین امر از تنفس و حکومت را نسبت به معاصی کثیف گالیندویل در میان ایرانیان و جهانیان برانگیخت. تا آنجا که جانشین دبیرکل ملل متحد آقای بان مارتنسون طی نامه‌ای از سوی دبیرکل خطاب به اینجانب با تأکید بر اینکه جای خالی دکتر رجوی بعنوان یک مدافع پر تلاش حقوق بشر در جامعه جهانی کاملاً احساس می‌شود، تصریح کرد که گالیندویل "در منصب خود" به عنوان گزارشگر دبیرکل ملل متحد را نمایندگی نمی‌کند. این تیری جستن از گزارش گالیندویل در شرایطی صورت گرفت که اشمعزاز جامعه جهانی از آن زده‌بند خاشاکه اوج بی‌سابقه‌ای گرفته بود و علاوه بر ابراز انزجار افکار عمومی و رسانه‌های همگامی صدها نماینده پارلمان و رهبر سیاسی و مقام دولتی از کشورهای مختلف جهان رسماً بر بی اعتباری و مخدوش بودن گزارش گالیندویل گواهی داده بودند. بخمسوس که مقاومت ایران با استناد به بندوبست‌ها و روابط مشکوک گالیندویل با مقامات رژیم خمینی و سرکردگان ارگان سرکوب رژیم و همچنین با استناد به اینگونه مطالب مجعول و اکاذیب آشکار گزارش او، این گزارش را از همان آغاز بیگانه افشا و محکوم کرد. به همین منظور مقاومت ایران طی یک کار عظیم و بی‌غایت مستند کتاب "خیانت به حقوق بشر - گزارش گالیندویل درباره ایران زیر ذره‌بین" را در بیش از ۲۵۰ صفحه به زبان انگلیسی منتشر نمود. سندی غیرقابل انکار و چشم‌پوشی که هر وجدان آزاده‌ای را از انبوه دروغ‌ها و سجمولات و تلاش‌های عمدی توطئه آمیز علیه مقاومت ایران و بسود دیکتاتوری تروریستی آخوندهای حاکم آگاه می‌کند و برده از روی این گزارش لغز بار برمی‌دارد.

بنابر این اکنون که آلت فعل آن گزارش خیانت‌بار مجدداً عازم تهران است، بار دیگر تکرار و تأکید می‌کنم که گالیندویل به دلیل گزارش و عملکرد شناخته شده‌اش در سفر گذشته به تهران که بر اساسی لکمی نتگی بر تاریخچه فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر ملل متحد باقی گذاشت، هیچ‌گونه صلاحیت و اعتباری برای تحقیق و تهیه گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ندارد. سفر مجدد گالیندویل جز بلکه ماموریت شوم بر ضد ملت ایران نیست و مردم و مقاومت ایران این نمایش سخیف را آهیم از سوی کسی که باز بچه‌ای در دست آخوندهای جنایتکار حاکم است و اینبار نیز بدون حضور نماینده و مترجم مقاومت و در چارچوب مطلوب دوخسان به ایران می‌رود، نوسا

بحران خلیج ...

از صفحه ۲

به گزارش خبرگزاری رژیم ۱۵ مه‌ماه "مجلس امروز بدلیل آنکه تعداد نمایندگان حاضر به حد نصاب نرسید، تشکیل نگریهید. برای حد نصاب تشکیل جلسه حداقل ۱۸۰ تن از ۲۷۰ نماینده مجلس باید حضور داشته باشند، در حالیکه امروز تنها ۱۲۵ نفر شرکت نمودند."

این بایکوت که با طرح ریزی رفسنجانی و در جواب به حرکات جناح "خط امام" در مجلس ترتیب داده شده بود باعث شد تا مجلس نتواند طبق قرار قبلی بیه بحث پیرامون تغییر مقررات انتخابات که لایحه آنرا جناح "خط امام" هفته پیش به مجلس برده بودند، بپردازد و این امر موجب خشم این جناح گردید و در این رابطه تعدادی از نمایندگان مجلس از خامنه‌ای خواستار شدند که در مقابل "جناح مشخصی" که غیبت آنان منجر به لغو جلسه گردید دست به اقدامی برند. آنها به "مواقب شوم و غیرقابل پیش بینی این اقدام غیرمسئولانه" که "ضربات سنگینی بر نظام وارد خواهد کرد" اشاره نمودند و خواستار اقدامی "علیه این پدیده خطرناک و ولزرت انگیز" شدند. زرفش تضادهای درونی رژیم که خامنه‌ای بعنوان رهبر و رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور آن با بکار بردن تاکتیک‌های مختلف سعی در تخلیف و مهار آن دارند امری ذاتی و طبیعی این رژیم بوده و با هر حرکت همچون دست‌ساز چریکین سرمار می‌کند و مقدار زیادی از بیکره نحیف رژیم شد مردمی آخوندها را تحلیل می‌برد. این تضادها که محصول موجودیت غیرطبیعی این رژیم است سرانجام تلخی را برای آن رقم می‌زند.

تصحیح و توضیح

در شماره ۷۵ نبرد خلق بجای تاریخ اول مهرماه ۶۹ در صفحه ۱، تاریخ اول شهریورماه ۶۹ نوشته شده که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

تحریم و محکوم می‌کنند. چهره بقایای رژیم خمینی که سردمداران آن مسئولیت کشتار بیش از ۹۰۰۰۰ تن از شهیدترین فرزندان ملت ایران و شکنجه مستمر ۱۵۰۰۰۰ زندانی سیاسی و عقیدتی را بر عهده دارند و خود شخصاً نیز در شکنجه و برنامه‌های تیرباران و قتل عام زندانیان شرکت کرده و می‌کنند، با هیچ توطئه و تمهیدی قابل نظم‌نرم نیست. اگر هنوز هم کسی در اینجا و آنجا گمان کرده است که می‌تواند بر حقوق اساسی مردم ایران و روح و خون فرزندان رشید و فدایان آن برای آزادی خط بطلان بکشد، چنین کسی سخت در اشتباه است. همچنانکه هرگونه تلاش سرمایه‌گذاری برای "میانرو" جلوه‌دادن این دیکتاتوری پوسیده و قرون وسطایی و ادعای "ثبات" و "آیندمداری آن قطعا حکومت به شکست است. مردم و مقاومت ایران هرگز در برابر این رژیم نامشروع و جنایتکار سر تسلیم فرود نمی‌آورند و آنرا با جنگ و ناخن و دندان هم که شده سرنگون خواهند کرد.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۶ مهر ۱۳۶۹

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۳

شده‌اند. این سومین سانحه هوایی در منطقه طی سه روز می‌باشد و تعداد کشته شدگان به ۱۲ نفر رسیده است.

در همین حال رادبو آمریکا ۱۹ مهر خیر سقوط چهارمین جت نیروی هوایی آمریکا و کشته شدن دو خلبان آن را سخا به کرد. این چهارمین هواپیمای آمریکا است که در طی این روزها سقوط می‌کند.

از زمان آغاز استقرار سربازان آمریکایی در عربستان تاکنون ۳۰ نظامی در اثر سقوط هواپیمای و هلیکوپتر و ذرات تصادفات دیگر کشته شده‌اند. تا کنون ۷ هلیکوپتر و ۳ هواپیمای جنگی یا در خشکی و یا در دریا سقوط کرده‌اند. رادبو آمریکا که این گزارش را ارسال داشته اعلام کرد، هیچ نشانی وجود ندارد که ثابت کند این تصادفات به سبب ناساعد بودن وضعیت جغرافیایی و جوی صحرا بوده است. مقامات نظامی آمریکا ادعا می‌کنند که گرمای هوا و شن و گرد و خاک صحرا برای تجهیزات نظامی مشکلاتی ایجاد می‌کند.

انتشار نشریه سلام از طرف "خط امام"

در اطلاعیه‌ای که از طرف "روحانیت مبارز"، در روزنامه ابرار به چاپ رسیده اعلام شده که سرودی جناح "خط امام" اقدام به انتشار روزنامه‌ای بنام "سلام" خواهد کرد. این روزنامه توسط محمد موسوی خوشینی‌ها که از جمله کاندیداهائی که انتخابات مجلس خبرگان را بایکوت کرد، انتشار خواهد یافت. به گفته این اطلاعیه هدف از انتشار این روزنامه مبارزه علیه "اسلام آمریکایی" از طریق "آینه شفاف افکار املر و افشای چهره‌گریه اسلام نوع آمریکایی، اسلام نسوع محمدی را عرضه کرده و در راه امام گام بردارد."

قطعه‌نامه محکومیت اسرائیل در شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز جمعه ۱۲ اکتبر طی قطعنامه‌ای به اتفاق آراء پلیس اسرائیل را بخاطر کشتار فلسطینیان در مسجد الاقصی محکوم کرد. در این قطعنامه بر اعزام هیاتی از طرف دبیرکل سازمان ملل بمنظور بررسی شرایطی که منجر به واقعه تراژیک اخیر اورشلیم و تحولات مشابه در سرزمین‌های اشغالی می‌شود، ارائه گزارشی به شورا تا تاریخ ۲۴ اکتبر حاوی نتایج کار و توصیه‌های به شورا در مورد راه‌های تضمین امنیت و حفاظت مردم عادی فلسطینی تحت اشغال اسرائیل، تأکید شده است. جمیل هلال یک سخنگوی صاف گفت که این قطعنامه خیلی کمتر از آن چیزی است که مناسا می‌خواستیم. زیرا هتاتی که از طرف دبیرکل ملل متحد به اسرائیل اعزام می‌گردد نسبت به هیات تحقیقاتی شورای امنیت هیچ‌گونه قدرتی ندارد. و این قطعنامه حتی دولت اسرائیل را محکوم نمی‌کند. بلکه فقط پلیس اسرائیل را محکوم می‌کند. دولت اسرائیل نیز اعلام کرد که هیچ‌گونه همکاری با هیات اعزامی از طرف دبیرکل نخواهد کرد.

میشل عون تسلیم شد

هواپیمای سوریه روز شنبه ۱۴ اکتبر ساعت ۷/۳۰ صبح کلاه بمب‌دا محل سکونت میشل عون را در شرق بیروت بمباران کردند. در همین حال نیروهای زمینی

سنگر مقدم: لنینیسم (۲)

بقیه از شماره قبل

— منصور امان

هندوانه زدن است، برای او مطلوب تر از دموکراسی بورژوازی وجود ندارد آنچه که در پی آن است تحت همین روابط بر آورده می شود. بنابراین باکوس و کورسا به تبلیغ برای آن می پردازد، رشتی هایش را ریبا جلوه می دهد و سرآخرازان کعبه آ مالی می سازد گنه می بایست همه مردم صرف نظراً وجودیت نادیشان دور آن طواف کنند، توجهات این جریان گاه بقدری سطحی و مسنل است که انسان به سلامت قوهی تعقل آنها شك می کند، توجه کنید: "نرمیدی نیست که سرمایه دار و سرمایه داران به خاطر امکانات مالی، دسترسی به سالن ها و وسایل تبلیغاتی، روزنامه ها و غیره در وضع بسیار ممتازی نسبت به کارگران و محرومان نسبی این جوامع قرار دارند. در عین حال نباید از نظر دور داشت که کارگران و توده ها و نیروهای سیاسی مترقی و مردمی، در مقابل از امکانات و امتیازات ویژه ای نظیر سبدها، احزاب مردمی فراگیر، سازمانها و نهادهای دموکراتیک، همبستگی طبقاتی و رزمی و زمینه توده ای که میلیونها انسان را در بر می گیرد، برخوردارند که سرمایه دارها بطور عینی از آن محرومند." (همانجا)

سراسر مقاله دو شماره ای "ر-ا" انباشته از چنین یکسان سازی های میان حقوق بورژوازی و دیگر طبقات اجتماع است، در این میان اشاره گزافی او به برخی از جوانب واقعی دموکراسی بورژوازی تنها به خاطر آرایش مطلب و تزئین زبختی های تفکر خود است و بس. و گرنه همانگونه که در نمونه مذکور نیز مشهود است در نهایت باز هم همین دموکراسی است که علیرغم موقعیت "معتارش"، به خاطر تقسیم عادلانه محرومیت ها؛ مورد تمجید و تحسین قرار می گیرد. آخر کدام عقل سالمی "همبستگی طبقاتی" را در پی کارگران و توده ها، را بعنوان "امتیازی ویژه" در برابر تسلط بورژوازی بر "امکانات مالی، سالن ها و وسایل تبلیغاتی، روزنامه ها و غیره" به حساب می آورد؟ بدون این امکانات "داشتن زمینه توده ای که میلیونها انسان را در بر می گیرد" با تشکیلهایی که "ر-ا" از آنها نام می برد، به خودی خود هیچ مشکلی را بطور واقعی حل نمی کند. اگر هدف، شرکت عملی و مداخله جدی کارگران و توده ها، در مبارزه طبقاتی و تلاش برای تغییر شرایط زندگی باشد، با این "امتیازات"؛ به صحنه نبرد گام گذاشتن به معنای باسربه شدن کوفتن است. طبقه ای کارگر برای بازی در صحنه دموکراسی بورژوازی به همان و دقیقاً بدون کم و کاست به همان امکاناتی نیاز دارد که بورژوازی از آن برخوردار است. آیا این طبقه حاضر است در شک شرایط مساوی به نبرد با "کارگران و توده ها" تن بدهد؟ دقت کنید، در اینجا سخن برسر "توقع" سوسیالیسم یا کمونیسم از بورژوازی نیست، سوال این است که تحت همان چهارچوبی که سرمایه داری برای دموکراسی تعیین کرده، آیا می شود تصور کرد که وی از سلطه ی مطلق خود بر ابزارهای انتخاباتی و تبلیغاتی - سیاسی دا و طلبانه چشم پوشی کند؟ جواب بطور یقین منفی است، زیرا حاکمیت مالی سرمایه در حرم اندکست حاکمیت سیاسی اوست که می تواند به نقش غالب خود در حیطه ی مناسبات تولیدی تداوم بخشد. بدون سلطه ی سیاسی، بورژوازی پادشاه بی تاج و تختی است،

حال آنکه وقتی از برابری انتخاب کنندگان سخن می رود، منظور برابری حقوقی و برابری در برابر قانون است و این يك واقعیت انکارناپذیر است." (همانجا) همانگونه که می بینید "ر-ا" پس از صغرا و کبیرا چندین های محفل در باب غیر طبقاتی بودن دموکراسی و در بر گرفته شدن منافع "همه" تحت "سازمان سیاسی" آن با لخره ناچار می شود که به زبان اشهد بگوید که خیر، این "دموکراسی" چندان هم فراگیر نیست اما با این وجود ایرادی هم به آن وارد نمی باشد بلکه این کمونیست ها هستند که با توقعات بی جای خود چهره ی زلال دموکراسی بورژوازی را خدشه دار می کنند!

بر طبق این تعریف "برابری حقوق در برابر قانون" در "دموکراسی سیاسی" به معنای "دموکراسی اجتماعی" نیست، ما به بیان دیگر از نظر تقسیم تولید اجتماعی معادله های نابرابری وجود دارد که "قانون" آنها را به رسمیت شناخته. "دموکراسی سیاسی" نیز در چارچوب همین قانون همه را ملزم به رعایت و پیروی از خود می کند. محصول مادی این نابرابری اجتماعی در بدو امر همین "قانونی" است که بر زمینای آن موقعیت فرادستان تضمین و از انسان در برابر فرودستان محافظت می نماید و دقیقاً به همین دلیل است که "دموکراسی سیاسی" - انگیزه که "ر-ا" می گوید - "توان و رعایت" رفع چنین نابرابری هایی را ندارد زیرا طبقه ای است که با منافع بورژوازی حاکم آغشته شده و از آن نشأت می گیرد، و این نسبت همان جنبه ای است که در نقد سوسیال - دموکراسی، در "دموکراسی حذف شده" است. او به کارگر رهنمود می دهد، تو دارای يك رای هستی در عین اینکه استشاری شوی، غارت می کنی و اگر اعتراض کنی گلویت را می قهراند بورژواهم درست مثل تو دارای يك رای است و البته در عین اینکه صاحب هست و نیست جامعه نیز می باشد. بنابراین باید به دموکراسی احترام گذاشت و از مواجبت زندگی متعادلانه بهره مند شد!

و این به معنای واقعی کلمه همان چیزی است که کمونیست ها "دروغ، فریب، و سالیسی" اش می نامند. "ما از دموکراسی بورژوازی" توقع "بر آوردن مطالبات" سوسیالیستی "با کمونیستی" را! در داریم و این ما نیستیم که از این دموکراسی به مثابه "سازمان سیاسی" جامعه که در آن مردم حاکمیت را اعمال می کنند" بناد می کنیم. مظاهر دموکراسی بورژوازی از قبیل "آزادی مطبوعات، بیان و قلم، آزادی تشکل سیاسی و منقسی و تجمع" فی نفسه مردود نیستند و هیچ فرد دموکرات و بالطبع هیچ کمونیستی نمی تواند با آنها مخالف باشد. اما هیچ فرد دموکرات و کمونیستی نیز نباید به خود اجازه بدهد که حتی لحظه ای از توجه به ماهیت طبقاتی این مظاهر و سلطه ی سیاسی و اقتصادی مغنیم سرمایه داری که به او امکان می دهد آنها را در خدمت خود بگیرد، غفلت نماید. چنین سهوی به معنای مشروعیت بخشیدن به آن نابرابری اجتماعی است که در دموکراسی بورژوازی پنهان گشته و به مظاهر آن نیز حمله نابرابر می بخشد. در مورد "ر-ا" این امر خاک پاشیدن به چشم توده ها است، عرضه ی اسفناج و هوار

تا آنجا که به حاکمیت مردم بر می گردد کمونیستها نیز دموکراسی را چیزی سواي آن نمی دانند. اما در عین حال آنها برخلاف "ر-ا" جامعه را تشکیل شده از مردمی که هویت اجتماعی ندارند، ارزیابی نمی کنند. آنها از آنجایی که مثل "ر-ا" قصد توهم پراکنی ندارند در هر تحلیل خود از جامعه و ترکیب و تناسب آن، به درستی تفاوت میان لایه های مردمی که هر یک جایگاه عینی در تولید اجتماعی دارند را خاطر نشان می سازند. بر این اساس "مردم" نه يك توده ای بی شکل و حجم یکدست، بلکه افشار و طبقات مشخصی محسوب میگردند که هر یک علائق و چشم اندازهای تاریخی خاص خود را دارا می باشند. نهادهای اجتماعی تبلیغی مستقیم آزادی نیروها و طبقاتی های فزون جامعه است که رو به سمت مادی شدن دارد. واضح است که انگیزه اصلی و محرک نابی پدید آمدن روندهای سیاسی نیز دقیقاً از این قاعده پیروی می نماید. بنابراین از آنجایی که منافع و موقعیت متضاد و متفاوت طبقات، انگیزه های مادی متضاد و متفاوتی را با خود به همراه دارد. چهره دوره های استثنایی - هیچ سازمان اداره کننده امور جامعه (دولت) نمی تواند یکجا امور نمایندگی مطالبات متفاوت را عهده بگیرد و در عین حال خواست های طبقات مختلف را تحقق بخشد بدون آنکه در این میان منافع بخشی از جامعه از بین نرفت باشد. تا زمانی که "دموکراسی" مورد نظر "ر-ا" "آکشن سیاسی" باقی بماند و وظیفه ی ارشاد "مردم" را بر عهده خود تعیین کند، حداقل در انبوهی او می توان وجود کرد و بهره در کنار یکدیگر را تصور شد. اما دموکراسی به مثابه "سازمان سیاسی جامعه" که متضمن حاکمیت "همه" است تنها می تواند "آکشن سیاسی" گسردگ باشد و بس. چرا که با این تیرنگ می توان منافع خود را، مطالبه ی "همگانی" جلوه داد، می توان به جای "همه" حکومت کرد و سرآخرا به نیابت از "همه"، همه را سرکوب نمود!

بواستی اگر "دموکراسی" "ر-ا" تا این اندازه فراگیر است که همه در برابر "قانون" آن برابر و محسوب می شوند و هر حکومتی که نیز بر سر کار بیاید همان "قانون" را اجرا می کند و همه ملزم به حفظ منافع بقیه هستند، پس چه احتیاجی به احزاب مختلف وجود دارد؟ و مثلاً حزب اپوزیسیون چه چیز دیگری سواي آنچه که حزب حاکم اجرا می کند، برای گفتن دارد؟ و اصولاً به چه دلیل حزب حاکم در انتخابات می تواند شکست بخورد؟ امضك اینجاست که خیالها فان ساده لوح "ر-ا"، نظرات لنین در باره ی دموکراسی بورژوازی را "تکرار فرمول های انتقادی سوسیالیست های تخیلی" می نامند و خود را واقع گرا می دانند!

به انتقادات و سوال های بالا، "ر-ا" اینگونه پاسخ می دهد: "از دموکراسی سیاسی توقع دموکراسی اجتماعی (سوسیالیسم) و از اصل برابری حقوق، انتظار برابری کامل اجتماعی (کمونیستی) را دارند و چگونگی دموکراسی سیاسی چنین توان و رسالتی ندارد و فساد به پاسخگویی و حل آنها نیست، به تحفظ و تلفی آن می پردازند و دروغ و فریب و سالیسی اش می نامند. ..."

سنگر مقدم: لنینیسم

قولباشی که فوفا از لنین آوردم، که نشان می‌دهند وی کاملاً به اهمیت تفاوت رژیم‌های سیاسی حاکم و اشکال دولتی (جمهوری دموکراتیک با سلطنت مطلقه) آگاه است، بار دیگر این سوال مطرح می‌شود پس چگونه است که وی از آستانه انقلاب اکثریت به بعد، در موضع نفی تفاوت میان رژیم‌های سیاسی و اساساً نفی دموکراسی بورژوازی قرار می‌گیرد؟ (همانجا)

حال ببینید درست برخلاف گفته‌ی "ر-ا" لنین در اواخر سال ۱۹۲۲ چگونه این موضوع را مورد توجه قرار می‌داد: "در اردوگاه بورژوازی یک جریان فوق-العاده نیرومند رسی قدرتمندتر از جریانهای دیگر وجود دارد که مایل است کنفرانس رن را برهم بزند. جریانهای هم هستند که می‌خواهند سپر قیمتی شده از آن دفاع کنند و کاری کنند که این کنفرانس سر بگیرد. این جریانها اکنون نفوذ پیدا کرده‌اند. سر-انجام در اردوگاه همه کشورهای بورژوازی جریانهای وجود دارد که می‌توان آنها را سوسیفیت نامید و تمام انترناسیونال دو و دوویم را هم باید جزء آن شمرد." (گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) روسیه به کنگره یازدهم حزب)

اما زرف نگری لنین به همینجا ختم نمی‌شود. او نه تنها به وجود اختلاف و تفاوت میان دول بورژوازی افغان داشت بلکه حتی دستجات بورژوازی یک کشور را نیز الزاماً همگون نمی‌دید. بعنوان نمونه او در بر خورد به کمونیستهای انگلیسی درباره‌ی اهمیت شناخت تفاوت میان سه حزب بورژوازی لیبرال، کارگر و محافظه کار و نمایندگان برجسته آنها لایه جرح، هندرسن و چریل را اینگونه توضیح می‌دهد: "اختلاف نظریین چریل و لایه جرح ها - این تپ‌های سیاسی که در گنبد کشورها باجزشی تفاوت ملی وجود دارند - از یکطرف و بین هندرسونها و لایه جرح ها از طرف دیگر از نقطه نظر کمونیسم خالص یعنی انتزاعی که هنوز برای انجام فعالیت عملی و توده‌های سیاسی نفع نیافته است بلکه بی اهمیت و جزئیست - و لسی از نقطه نظریین فعالیت عملی توده‌ها، اختلافات مزبور بینهایت مهم است. تمام گنه مطلب و تمام وظیفه‌ی هر کمونیستی که نمی‌خواهد تنها یک مبلغ مسلکی آگاه و باایمان باشد، بلکه می‌خواهد در عین حال رهبر عملی توده‌ها در انقلاب باشد اینست که اختلافات مزبور را در نظرگیرد." (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم)

حتی اندکی توجه به این فاکت‌ها نشان می‌دهد آنچه که "ر-ا" به لنین مبلی بر "نفی تفاوت میان رژیم‌های سیاسی" نسبت می‌دهد تاجه حد از صحبت و سقم برخوردار است. این جریان تا بدانجا از رعایت برنسیب معمول در بحث سرباز می‌زند که حتی یک دلیل هم برای استناد این مطلب به لنین، ارائه نمی‌دهد. مگر دانشگان "ر-ا" به جای طرح سوال و اظهار تعجب از تغییر موضع لنین، بهتر است به این پرسش پاسخ دهند که کی و کجا لنین رژیم‌های سیاسی مختلف را یکسان معرفی کرده است؟

دولتهای بورژوازی از حیث تعلق طبقاتی و جایگاهشان در مناسبات تولیدی همه از موقعیت مشابهی برخوردارند و این حقیقتی است که لنین بارها بر آن تاکید کرده. اما فقط یک مسئله باز می‌تواند از

* نظیر اینها نیست. (همانجا)
آری، بی شک اگر "ر-ا" فقط در یک نقطه ببالین اشتراک نظر داشته باشد، همین شناخت ارگانیزم دموکراسی ست. اما این افتخار تنها نصیب او نمی‌شود بلکه انبوه دستجات، محافل و اقشار منفردی که بر این حقیقت ساده و بدیهی تاکید کرده‌اند با وی در تقسیم آن شریکند.

برایستی تابه حال کی و کجا کمونیست ها ادعا کرده‌اند ساختار سیاسی دموکراسی چیز دیگری غیر از همان مواردیست که لنین اشاره می‌کند؟ "ر-ا" نیز بدان استناد می‌ورزد؟ اگر "ر-ا" بتواند این را ثابت کند آنگاه می‌توان دلیلی برای شور و شغف بی مورد او که گمان می‌کند هیچ ازین را گرفته پیدا کرد. اما قشیه به اینجا ختم نمی‌شود، علمبرقم اشتراک نظر مذکور که می‌تواند موارد متعدد دیگری همچون تیره بودن شب و روشن بودن روز را نیز در برگیرد!! امیان دیدگاههای لنین و "ر-ا" یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن این است که لنین همواره تاکید می‌کرد که نباید ماهیت طبقاتی دموکراسی را از نظر دور داشت. او دموکراسی را برخلاف "ر-ا" "یک سازمان سیاسی جامعه" که مستقل از مبارزه طبقاتی میان گروههای معین مردم حیات داشته باشد، ارزیابی نمی‌کرد بلکه می‌دید به نفع کی و به ضرر کی دموکراسی به جریان می‌افتد؟ او می‌گفت: "بطور کلی آزادی سیاسی در زمینه مناسبات تولیدی معاصر یعنی سرمایه داری تماماً آزادی بورژوازیست. خواهست آزادی قبل از همه همین منافع بورژوازی است. نمایندگان آن اولیین کسانی هستند که این خواست را به میان آورده‌اند. طرفداران آن در همه جا از آزادی حاصله بعنوان صاحب آن بهره‌مند شدند در حالیکه آنرا به حد اعتدال و احتیاط بورژوازی می‌رساندند و با سرکوسی پرولتاریای انقلابی توأم می‌ساختند و این عمل را در مواقع آرامش خیلی دقیق و ظریف و در مواقع طوفانی یا خونریزی سبانه‌ای انجام می‌دادند." (ادو تاکنیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

این دیدگاه لنین راجع به طبقاتی بودن دموکراسی در سال ۱۹۰۵ است و همان خط فکری است که وی در تمام طول دوران حیات سیاسی خود تعقیب کرده و "ر-ا" نتوانده آنرا تنها به دوران پس از انقلاب اکتیبر نسبت می‌دهد.

ب) "ر-ا" نقل قول زیر از لنین را ذکر می‌کند: "هم نظام آلمان را بورژوا - دموکراتیک می‌گویند و هم نظامی را که در انگلستان حکمفرماست، هم نظامی را که در اتریش است بورژوا دموکراتیک می‌گویند و هم نظامی را که در امریکا و سوئی حکمفرماست و لسی هیئات به مارکسیستی که در دوره‌های انقلاب دموکراتیک متوجه این فرق موجود میان مراحل مختلف دموکراتیسم و بین جنبه‌های مختلف اشکال آن نشود و به "اظهار فضل" درباره اینکه به هر حال این یک "انقلاب بورژوازی" و میوه‌های انقلاب بورژوازی است، اکتفا ورزد." (راه ارانی - شماره ۲۱ - لنینیسم و دموکراسی)

و اینگونه نتیجه می‌گیرد: "بانوجه به نقل

که قلمرو خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد بنابراین برخلاف آنچه که "ر-ا" اعتقاد دارد این لنین نیست که با ترک خود از دموکراسی طبقاتی "راه هرگونه مشارکت عملی کارگران و توده‌های مردم را در تحول اجتماعی می‌بندد." (همانجا) بلکه خود بورژوازی بر مبنای غریبه طبقاتی خود به چنیستن اقدامی مبادرت می‌ورزد.

نقش سوسیال - رفرمیست ها همانطور که در نمونه "حزب دموکراتیک مردم ایران" و نظریاتش راجع به دموکراسی مشاهده می‌شود، در این میان آراستن وزبور بختیدن به دموکراسی بورژوازی ست. آنها ماهیت طبقاتی این دموکراسی را پنهان می‌سازند و با دعاوی سجهول تلاش می‌نمایند تا طبقه کارگر و دیگر ائشار تحت ستم جامعه را متقاعد نمایند که منافعتان هیچ نشادی با فرادستان ندارد، بهشت موعود همینجا است. تنها باید "قانون" را به رسمیت بشناسد و زیر لگوی آن برای برابری انتخاباتی هورا بکشد.

برای سوسیال - رفرمیست ها، مبارزه سیاسی مترادف مبارزه طبقاتی نیست. او رهنمود می‌دهد احتیاجی نیست که از چهارچوب تفکر دموکراسی بورژوازی خارج شد تا بتوان حقوق به غارت رفته را بازگرداند بلکه کافی ست به فعالیت سندیکائی، چریک و سازمانی پرداخت و در یک شرایط نابرابر تعریستن دموکراسی کرد تا روزی که بورژوازی مصلحت ببیند و مستند قدرت را واگذار نماید.

مقایسه نظرات لنین

"ر-ا" با این مقایسه قصد دارد به این نتیجه برسد که اولاً لنین نظرات مناقضی راجع به دموکراسی بورژوازی داشته و ثانیاً نشا چنین تناقضی در منافع لحظه‌ای بلشویکیها نیفته بوده است. بر این اساس دیدگاههای لنین رابه دو بخش پیش وی از انقلاب اکثریت تقسیم کرده و با آوردن فاکت‌هایی به اثبات ادعای خود کوشیده است - این که طبق روال معمول اپورتو نیست ها، تاجه حد "ر-ا" از جمل و تحریف در متد خود باری جسته در ادامه‌ی مطلب روشن خواهد شد. طبق استدلال او، آنچه که لنین پیش از انقلاب اکثریت بر زبان می‌آورده همه در تجدید و تحسین دموکراسی بورژوازی بوده و پس از اکثریت همه در نفی و مذمت آن، خوب، ما از همین نقطه شروع می‌کنیم تا مشخص شود که آیا چنین چیزی صحت دارد یا نه؟

۱ - دیدگاههای لنین درباره‌ی دموکراسی بورژوازی پیش از انقلاب اکثریت

الف) "ر-ا" از توضیحات لنین راجع به دموکراسی و بر شمردن مظاهر تجلی آن در حیطه‌ی سیاست مانند پارلمان، حق رای همگانی، آزادی بیان، قلم، مطبوعات و غیره اینطور نتیجه می‌گیرد که لنین نیز در آن دوره با همان "مفاهیمی دموکراسی را می‌فهمد و توضیح می‌داد که "ر-ا" و سیر "سیستم نظری" او را اینگونه خلاصه می‌کند: "دموکراسی سیاسی چیزی فراتر از شرکت دموکراتیک در امور کشور، داشتن مجلسی منتخب مردم و دولت منتخب همین مجلس، برخورداری از آزادی‌های دموکراتیک، آزادی بیان، قلم، مطبوعات، شکل و جمع و تعدد احزاب آزاد، حق رای همگانی و

سنگر مقدم: لنینسیم

این امر تشابه مطلق خط مشی های سیاسی این دول را نتیجه بگیرد.

هدفی که "ر-ا" از این جدال نازل دنبال می کند جدا کردن دیکتاتوری دموکراسی از رژیم های سیاسی است. بدین معنا که یک حکومت بورژوازی می تواند دیکتاتوری بورژوازی نباشد و رژیم سیاسی آنرا دموکراسی (به معنای مجرد آن) تشکیل دهد و همینطور برعکس! دقت کنید: "به عقیده ما دموکراسی، با بورژوازی بابلونتری نیست دموکراسی، تا آنجا بورژوازی است که پیدایش و تکوین آن با مرحله ای از تکامل تاریخ بشر منطبق بوده است که نظام سرمایه داری در آن حاکم باشد." (راه آزادی - شماره ۲۱ - لنینسیم و دموکراسی)

(چه خوب بود "ر-ا" نمونه ای هم برای این گشایش محیرالمعول خود ارائه می داد تا خوانندگان خود را با این پدیده نوظهور در علم جامعه شناسی بیشتر آشنا کرده باشد!)

استفاده ای که "ر-ا" قصد دارد در این رابطه از لنین ببرد، اولاً سخف و جلودادن نظرها در بساطه تفاوت سیاسی رژیم های بورژوازی و یکسان جلوه دادن آن با نظر خود مبسوط بر تفاوت طبقاتی دولت های بورژوازی و ثانیاً اعمای نفی این تفاوت توسط لنین پس از انقلاب اکتبر و متهم ساختن وی به "ذهن گزایی و اراده گرایی" در تحلیل جامعه بورژوازی می باشد. آری، با چنین زیرساختی "ر-ا" به سمت اثبات نظرات خود پیش می رود، اختلاف روش میان دول بورژوازی را تفاوت ماهوی آنان ارزیابی می کند و از این مسئله عدم بستگی دموکراسی به منافع یک طبقه معین را نتیجه می گیرد. و سرآخر زمانی که روند زندگی و تجربیات ناشی از آن در جهت عکس تحولات او گام برمی دارد، دموکراسی را تا آنجا بورژوازی می داند که حاکمیت طبقه ای به نام بورژوازی سوبد آن بوده است.

۲ - **دیدگاههای لنین و راجع به دموکراسی بورژوازی پس از انقلاب اکتبر**

در این قسمت "ر-ا" جز تکرار مطالبی که در بخش گذشته از آن سخن رانده شد، مطلب تازه ای عنوان نمی کند. "ر-ا" با استناد قرار دادن این فرضیه که لنین پیش از انقلاب اکتبر برای دموکراسی مفهوم طبقاتی قائل نبود و ظواهر آنرا در نظام بورژوازی صرف نظر از ماهیت و جهت عملکرد آنان مورد ارزیابی قرار می داد، به هم راوی با و و تکرار مطالبی مبادرت می ورزد که لنین در دوران پس از اکتبر راجع به دموکراسی بورژوازی گفته و نوشته است. همانطور که پیداست و بیشتر گفته شد لنین هیچگاه - چه قبل و چه بعد از اکتبر - جنبه طبقاتی دموکراسی را از تحلیل خود دور نکرد. کلیه آثار لنین که در این باره نگاشته شده است سراسر تاکید و اصرار بر این مسئله است و برای اثبات آن می توان مدهها فاکت از وی در این رابطه ذکر کرد.

"ر-ا" مختار است پایه استدلال خود را بر فرضیاتی بگذارد که وجود خارجی ندارند و از آنهم بالاتر می تواند این متد خود را با کوشش برای به

ابتدال گشادن مارکسیسم - لنینسیم توأم سازد اما به یقین قادر نیست به هیئت مارکسیست ها در آید و از این موضع به نفی آن بپردازد. برای نشان دادن بی استمدادی اپورتونیست ها به فاکت های تاریخی فراوانی که در این زمینه وجود دارند، نیازی نیست. خود "ر-ا" نمونه ی بارزی است، این محصول فکری او را بخوانید: (لنین) بعد از انقلاب فوریه، شرکت پرولتاریا را "در سیاست بورژوازی و انقلاب بورژوازی و پارلمانتاریسم بورژوازی" قویا توصیه می کرد و مخالفان چنین سیاستی را آنتاگونیستی می خواندند. بعد از انقلاب (اکتبر) می نویسد: "پارلمان بورژوازی سوسه غریبه و آلت متمگری بورژوازی علیه پرولترها سوسه طبقه مخاصم و اقلیت استثمارگر است." (همانجا)

سوال این است، آیا آن زمانی که لنین شرکت پرولتاریا را در "سیاست، انقلاب و پارلمانتاریسم بورژوازی" توصیه می کرد، این امر را بدون در نظر گرفتن ماهیت و خصائل طبقاتی آن اظهار می داشت؟ آیا او به کمونیست ها رهنمود می داد به دولت بورژوازی همانگونه بنگرند که امروز "ر-ا" آنرا می بیند؟ و دقیقاً پس از انقلاب فوریه چنین می گوید: "ماهیت حقیقی پارلمانتاریسم بورژوازی نه تنها در روح های سلطنت مشروطه پارلمانی بلکه در دموکرات، ترین جمهوری ها نیز این است که در هر چند سال یکبار تصمیم گرفته می شود که یک طبقه ی حاکمه در پارلمان مردم را سرکوب و بکشد." (لنین - دولت و انقلاب)

بدانرا این آنچه که در اینجا آشکار می گردد نشانه تناقض میان نظرات لنین که تضاد میان جمعیت "ر-ا" با واقعیات است، لنین نه تنها در دوران پس از انقلاب فوریه بلکه در مجموع و در کلیه کشورهایی که بورژوازی به نظام سلط بدل گردیده است به کمونیست ها چنین "توصیه ای" می کند: زیرا زمینه عمل آنها جامعه ی بورژوازی است و تا زمانی که فساد و کندی یکی این روابط به اکثریت قاطع نودهها اثبات نگردیده باشد، هیچ وسیله دیگری برای مبارزه، جز آنچه که روابط و مناسبات بورژوازی بمثابة شکل غلیظ و قانونی مبارزه طبقاتی فراهم ساخته، در دست نخواهند داشت. کمونیست ها می بایست برای افضاح و جلب تودهها به سمت خود، مبارزه سوسیالیستی، از حداکثر ظرفیت و توان دموکراسی بورژوازی سود جستند و در عین حال محدودیت و صوری بودن آنرا به آنها یادآور شوند. اما این دیگر ساده انکاری صرف است، هرگاه به بیانه ناکافی بودن دموکراسی بورژوازی، لزوم هرگونه تبلیغ و ترویج، بسیج، سازماندهی و تشکل کارگران و وحشتگشان نفی گردد، و به همین ترتیب شرکت در بازی "دموکرا - تیک" بورژوازی، بدون نقد طبقاتی آن در برابر دیدگان توده، تنها فریب و دلخوش کردن آنها به منظاری است که در بهترین حال خود به وضع موجودشان استمرار می بخشد. لنین چنین شرکتی را توصیه نمی کند. او آنگونه که "ر-ا" قصد دارد بانه شاهد گرفتن جماعات ناقص اثبات نماید، از مشارکت در دموکراسی بورژوازی حل شدن در آن و اصل قرار دادن مبارزه سیاسی بدون چشم

انداز سوسیالیستی حرفی نمی زند. پس از انقلاب اکتبر نیز لنین همین دیدگاه را بدون ذره ای کم و کاست به کمونیست ها آموزش می داد. تکریم نقل قول از او در این باره و یکبار دیگر دقیقاً در همان محدوده زمانی که "ر-ا" بر آن پیرایه می بندد، بی شک سوسال - رفورمیست های مارا به سرگیجه مبتلا خواهد کرد، توجه کنید: "بسی دشوارتر و بسی پرارزشتر است که انسان هنگامی بتواند انقلابی باشد که هنوز شرایطی برای مبارزه مستقیم و آشکار و اغلب حتی صرفاً ارتجاعی، در شرایط غیر انقلابی و در بین تودهها که قادر نیست بیدارنگه به لزوم اسلوب انقلابی فعالیت بی ببرد، دفاع نماید. وظیفه ی عمده کمونیسم معاصر در اروپای باختری و آمریکا این است که بتواند راه مشخصی را آن تحول مخصوص را در حوادث که تودهها را به مبارزه انقلابی واقعی، فطری، نهایی و عظیم نزدیک می سازد پیدا کند و احساس نماید و برستی تعیین کند." (لنین - بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم)

"ر-ا" نه هنگامی که لنین از مبارزه پارلمانی سخن می گوید و نه زمانی که خاستگاه طبقاتی آنرا یادآور می شود، در هیچکدام از این موارد نمی تواند مفهوم جملات را درک کند. اما به مجرد کوچکترین اشاره به دموکراسی بورژوازی شامش تیز شده و به وجهه زان صفحه های متعددی را اندر قوائدش سیاه می کند. این امر بی شک تصادفی نیست و از جایگاهی نشئت می گیرد که این جریان در صف بندی های اجتماعی برای خود برگزیده است.

چند نمونه دیگری نیز که "ر-ا" بعنوان مدرک برای اثبات نظریه تغییر دیدگاههای لنین پس از انقلاب اکتبر ارائه می کند دارای همین خلط و آکنده از بیش داوری ها و فرضیاتی است که حتی یک آشنای مختصر با نظریات لنین برای بی بودن به ناچار یکی آنها کالی است. بنابراین در اینجا به تکرار آنها پرداخته نمی شود و ادامه ی مطلب را به حوزه دیگری منتقل می نمایم.

سوسیال رفورمیست ها و انقلاب اکتبر

اگر به دیدگاههای "ر-ا" نه به عنوان یک مجموعه تصادفی بلکه بعنوان یک سیستم نظری بنگریم، آنچه می توان دریافت کرد، از چنین مقایسه های چه اهدایی را دنبال می کند و سرآخر ایده آل مطلوب او، نقطه اش در کدام لایه ی اجتماعی بسته شده است. "ر-ا" هنگامی که پایه حوزه سیاست عطفی می گذارد و به نقد جوانب مادی زندگی اجتماعی و قوانین حاکم بر آن می پردازد، به دیدگاههای خود مباحث و وضوح بیشتری می دهد و تلاش می ورزد تا غالب های فکری خود را بنحو موثرتری بکار گرفته و رویدادهای معینی را در آن جا دهد. بارزترین نمونه در این رابطه، برخورد وی با انقلاب اکتبر و نتایج مشخصی است که از آن می گیرد. "ر-ا" از آنجا که به مقوله دموکراسی به عنوان یک پدیده فراطبقاتی می نگرد و مظاهر آنرا صرف نظر از جهت گیری عمومی شان به مثابه اصول خفته نابین آزادی ارزیابی می کند، تشاگوری هر دولت بورژوازی می گردد که با خود زنجیر دموکراسی اش را نیز حمل می کند. البته در حقیقت این دموکراسی نیست که "ر-ا" اینگونه شیفته و واله آن است بلکه مشخصاً نوعی دموکراسی است که در چهارچوب آن

سنگر مقدم: لنین‌یسم

خواستار و تمایلات سرمایه‌داری نمایندگی می‌شود، همین از این روست که بزرگترین انقلاب تاریخ بشریت انقلاب اکتبر در نظر "ر-ا" و در مقایسه با انقلاب فوریه خیلی ساده "زودرس" ارزیابی می‌گردد و اینگونه توجیه می‌شود که: "آیا صرف یافتن اکثریت از سوی بلشویک‌ها در شوراهای (اوایل سپتامبر ۱۹۱۷) به این معناست که کارگران و موزیک‌های روسیه با بیستی از ۷۰ درصد بی‌سواد، به سوسیالیسم آگاهی یافتند و خواهان آن شدند؟ اساساً آیا می‌شود تمایل آن‌سوی اکثریت مردم و زحمتکشان را به یک حزب، به ویژه در شرایط استثنائی جنگ و فقر عمومی و بحران اقتصادی معادل پذیرش برنامه‌ی حداکثر آن حزب از سوی همین توده‌ها دانست؟" (راه ارانی - شماره ۲۰ - لنین‌یسم و دموکراسی)

"ر-ا" خود را به زمین و آسمان می‌زند تا خواننده را قانع کند که شرایط برای انقلاب اکتبر آماده نبوده و سی‌بایست به بورژوازی "جال" داده می‌شد تا آراء "ترقی" و "آزادی" را پیش بگیرد و در این میان هیچ اباشی هم از پس گرفتن نظر خود راجع به "احترام به رای اکثریت" و غیره ندارد، براساسی مگر در دموکراسی بورژوازی فقط "باسوادان" می‌توانند رای بدهند و "بی‌سوادان" از حق انتخاب کردن محرومند اگرچه اکثریت جامعه را هم آنها تشکیل بدهند! "ر-ا" در اینجا نشان می‌دهد که ایده دموکراسی ناب تاجه حد طبقاتی و تاجه میزان بائیرنگد و ریا آمیخته است. چون منافع بورژوازی طی انقلاب سوسیالیستی اکتبر در نظر گرفته نشده چون نظام مبتنی بر بهره‌کشی در زیر چرخ‌های نیرومند اراده‌ی کارگران و زحمتکشان له شده و مکان خود را به حکومت "پاشینی" داده است، بنابراین این ناغادانه، دیکتاتوری و "منابر شرایط عینی" است حتی اگر "اکثریت" بدان رای داده باشند و حتی اگر خود از آن دفاع کنند، نوجبهاتی که "ر-ا" در اینجا ذکر می‌کند برعکس محال اگر به احتمال یک در هزار هم درست باشد باز نمی‌تواند نقش پرده‌ی ساتر میان واقعیت تمایل توده‌ها به بلشویک‌ها و دروغ "اراده‌گر-ایی آنها در انقلاب سوسیالیستی" را ایفا کند.

اما خود این توجیهات نیز بسیار خواندنی نیستند. اگر بنظر "ر-ا" توده‌ها تنها می‌توانستند آگاهی سوسیالیستی را از طریق مطالعه و بررسی آثار مکتوب، متفکرین سوسیالیست کسب نمایند به همین دلیل فقط روشنفکران با بقول "ر-ا" "باسلسوادان" می‌توانند صلاحیت انتخاب میان سوسیالیسم بورژوازی را داشته باشند باید بگوئیم سخت در اشتباه است، توده‌ها از طریق زندگی روزمره خود وهم چنین از کابال مبارزه اقتصادی به ناتوانی و ناغادانه بودن نظم بورژوازی پی می‌برند اما این هنوز بهمان معنا نیست که سوسیالیسم را اینترنتی آن می‌دانند. برای رسیدن به چنین مرکزی فعالیت عملی و نظری روشنفکران پرولتاریا بصورت متشکل و با اسلوب معین الزامی است تا اهداف از چنین فعالیتی باز هم به معنای "باسواد" کردن با سوسیالیست و کمونیست کردن توده‌ها نیست بلکه اشاعه‌ی آگاهی سوسیالیستی، از زندگی آنها ایده گرفته، شوریده کردن و مبارک‌گرداندن

به خودشان، رهبری مبارزات آنها و در مجموع کلیه اسوری ست که نقش هدایت خواست‌ها و مطالبات آنان را نه به عنوان افراد جدا و پراکنده بلکه به مثابه یک طبقه به عهده می‌گیرد.

گرد آمدن کارگران و زحمتکشان روسیه حول شعار - های بلشویک‌ها و حمایت مادی و معنوی شان از برنامه‌ی آنها در مقطع فوریه تا اکتبر که قطع بی‌درنگ جنگ و تقسیم زمین را در خود جای داده بود، مایه آزادی عینی سیاسی بود که تمایلات آنان را بطور مستقیم نمایندگی می‌کرد و برخلاف احزاب بورژوازی و خردگه بورژوازی سعی در فریب دادن شان نداشت و با بی‌ترسگی و شجاعت تحققی مطالباتشان را از این سال به آن سال به تعویق نمی‌انداخت. توده‌ها پشت سر بلشویک‌ها قرار گرفتند زیرا آنها را رزمنده‌ترین جریان سیاسی یافتند که بطور مداوم و پیگیر طی ده سال به افشای استبداد و نابرابری اجتماعی پرداخته و به کار سازمان‌گرا نه در میانان دست زده بود. کارگران و زحمتکشان عسقی ناتوانی و جبهه‌ی مزورانه سیاست‌های دولت کرنسکی و همدستانش را با وخیم شدن روزافزون شرایط زندگی خود لمس کرده و اعتماد خود را به تغییراتی که بورژوازی قصد داشت به خرج آنها انجام دهد، از دست داده بودند.

آری، کلیه این عوامل عینی، "مزیک‌های بی‌سواد روسیه" را در موقعیتی قرار داد که درستی خط مشی بلشویک‌ها را در باطن و ضمیر خود را بدان نشانگر کردند. آنان طبعاً درک روشنی از اینطور علمی نداشتند و نمی‌توانستند هم داشته باشند که چرا می‌دانستند که خواستهایشان را چگونه می‌توانند به گرسی واقعیت بخشانند و این درست همان خط فاصلی است که آنها را از روشنفکران راه ارانی نویسی جدا می‌کند. آنچه که "مزیک‌های بی‌سواد" ۷۰ و انسدیدی سال پیش دریافتند بودند برای این دسته از ممتازترین طبقه هنوز نامفهوم است و هم از این روست که انگشت حیرت به نشان می‌گردند و سوال می‌کنند چیرا و چگونه؟!

"ر-ا" ابتدا رای اکثریت مردم به بلشویک‌ها را ناشی از جهل به سوسیالیسم می‌داند و سپس آنرا به "تمایل آبی" آنان در شرایط استثنائی "نیز منطبق می‌کند" برسدنی ست اگر موفقیت بلشویکیا در کسب آراء مردم به چنین شرایطی وابسته بود پس چگونه همین مردم طی چند سال جنگ مداوم با تهاجم دول آنتانت و سپس شد انقلابیون داخلی رنج قطعی، مرگ و شرایط به مراتب ناپسمانتر از گذشته را تحمل کردند اما "نمایششان" به بلشویکیا و حلقه اولیسی کشور سوسیالیستی تاریخ را از دست ندادند؟! و یا از طرف دیگر شاید بنابراین آنچه در دهلیزهای نمود تفکر "ر-ا" می‌گذرد این اشباح بودند که ارتش سرخ را تشکیل دادند و نه همین مردم، به قول او - "بسی سواد" و دمدمی مزاج؟!

بهبادهای "ر-ا" بابانی ندارد اما سرآخر نتیجه یکی ست: "مثلاً اگر همه چیز عادی باشد و خوب کار می‌کند و همه اصول دموکراسی به مثابه حاکمیت مردم رعایت کردند و آزادی‌های سیاسی لازم برای عملکرد

دموکراسی محترم شمرده شود، قاعدتاً دموکراسی به سوسیالیسم می‌انجامد." (راه ارانی - شماره ۲۱ - لنین‌یسم و دموکراسی)

براین اساس دموکراسی بورژوازی یا یک "اگر" کوچک! بطور خود بخود به سوسیالیسم فرا می‌رسد و دیگر احتیاجی به انقلاب، سرنگونی سوسیالیزم و تشکیل طبقه کارگر نیست. انقلاب اکتبر به همین دلیل مردود شمرده می‌شود زیرا که به کرنسکی و شرکا، اجازه نداد تا دموکراسی پیگیرشان را به سوسیالیسم پیوند بزنند و با حرکت "زودرس" خود رشته‌های بورژوازی را پهنه کرد.

اما زندگی واقعی با این دست خیالیاتی‌ها به هیچ عنوان سازمان‌گاری ندارد. در جهان مادی، توده‌ها با آنچه که هست سروکار دارند یعنی با جامعه‌ای که طبقات تقسیم شده و "بالاها" منافع دیگری سوازی آنها دارند. در اینجا "اگر" "ر-ا" و جمله پردازیهایی شاعرانه‌ی وی فقط می‌تواند رونق دهنده محض گریختگان از مبارزه باشد و پس برای تحقیر کلیه مواردی که "ر-ا" آنها را عاجزانه از سوسیالیزم استعفا می‌کند، بهشیرد یک مبارزه جدی با شرکت نیروهای بالنده‌ی اجتماع تا محور هر گونه بتم و نسا برای ضرورت است. تنها و تنها نیروی خود توده‌هاست که سوسیالیسم را در دسترس قرار می‌دهد و همین نیروست که دموکراسی را در متکاملترین شکل خود مادیست می‌بخشد. انقلاب اکثریت‌روشن‌ترین گواهی صحت این مدعاست. دولت کرنسکی که با قربانی کردن انبوه مردم در تئور جنگ امپریالیستی، گشادن دستهای سلاکین بزرگ و بورژواها از یکطرف و شنیت با شوراهای کارگران، سربازان و دهقانان از سوی دیگر و بالاخره کشتار و ممنوعیت فعالیت سیاسی بلشویکیا نشان داده بود که تاجه حد منافع واقعی مردم را نمایندگی می‌کند، فقط در نتیجه اقدام مستقل آنان بود که برکنار شد. تنها یک فرمایش آشتی طلب می‌تواند تصور کند که در صورت باقی ماندن این دولت، نظامی که کرنسکی نمایندده آن بود می‌توانست "دموکراسی پیگیر روسیا - لیسم" را محقق سازد.

سخن آخر اینکه نقد فرمایشی از لنین‌یسم تنها به این جنبه از حیات سیاسی و ایدئولوژیک کمونیست - ها منحصر نمی‌شود بلکه همانگونه که دیدیم اساسی - ترین حوزه‌های تفکر و اندیشه مارکسیسم - لنین‌یسم را در می‌نوردد و ابتدائی ترین احکام آنرا زیر سوال می‌برد. این نقد، تصفه حساب سوسیال - رفرمیستها با اندیشه علمی و هر آنچه که دولتیانی از آنرا بسا خود دارد، است. بنابراین تصویری خطاست اگر آنرا تنها به اختلاف نظر بر سر برخی مبانی مانند دموکراسی، دیکتاتوری و ... محدود نماییم به جریان سوسیال - رفرمیسم می‌بایست به مثابه ادامه‌ی تاریخی انترناسیونال دو و دونیم نگریسته شود و همانگونه که در آن زمان مقابله جدی با دفاع طلایی سردمداران انترناسیونال‌های مذکور به یک سیستم نظری منسجم نیاز داشت و لنین فر چند کتاب خود و از جمله "انقلاب پرولتاری و کائوتسکی مرتد" و "دولت و انقلاب" به پایه گذاری چنین امری کمک بسیاری نمود، اکنون نیز می‌بایست شکل تصادفی و موقتی دادن به این یا آن

گزارشی از السالوادور (۳)

توضیح تیرمطلق: گزارش زیرمجموعه مشاهدات یکی از رفقای سازمان در مسافرت به السالوادور است.

روز ۱۶ مارس ۱۹۹۰ در يك موقعیت استثنایی که برای سفر به السالوادور برام پیش آمد به همراه یکی از چند گروه همبستگی بین المللی با جنبش السالوادور که شامل گروههایی از سراسر آمریکای لاتین و اروپا بود، از این کشور شدم. موخه‌های من ضمن این سفر هر چند کوتاه، یحیی پر بار و بارش بودند که گزارش نسبتا کاملی از آن تهیه کرده و تقدیمتان می‌کنم. به امید اینکه مطالعه آن برای جنبش انقلابی مانیز ثمر بخش باشد.

این ملاقات قبلا برنامه ریزی نشده بود و ما با او هنگام صرف غذا گفتگویی داشتیم که به جای خود بسیار جالب و شنیدنی است.

سوال - شما برای چه به اینجا آمده‌اید؟
جواب - چون فکر می‌کنم این مردم مسیحی هستند آنها احتیاج دارند که مسیحی باشند. اما بطور قانونی من باید فرموده خدا با آنها صحبت کنم. من باید با مردم فقیر و نیازمند، با مردم رنج دیده راه بروم و زندگی کنم و با آنها يك جامعه مسیحی بسازم. برای ساختن زندگی جدید و انسان جدید و جامعه جدید با آنها کمک کنم. کار ما اینجا کند پیش می‌رود. مثلا اگر کاری را بتوانی در ۵ دقیقه تمام کنی ۵ ساعت طول می‌کشد اما مهم اینست که باید با آنها قدم برداری و در کنار آنها راه بروی تا تورا قبول کنند، ثابتوانی موفق بشوی.

سوال - آیا وانیتان از شما حمایت می‌کند؟
جواب - فکر نمی‌کنم... آخر چطور می‌توان روزی سه وعده غذا خورد، زیر کولر نشست، بهترین شراب‌ها را نوشید و فهمید که در اینجا چه می‌گذرد. هیچکس نمی‌تواند با ما سمپاتی داشته باشد مگر اینکه بیاد و زندگی ما را ببیند.

سوال - آیا شما از کلیسای السالوادور کمک می‌گیرید؟
موقعیت کلیسا در السالوادور چیست؟

جواب - نه... آنها فکر می‌کنند که ما کلیسا را فلج کرده‌ایم. البته بخاطر اینکه خودشان فلج شده‌اند. بخاطر اینکه آنها در اینجا با مردم تپستند، به نظر من بزرگترین معجزه زندگیست، معجزه دیگری وجود ندارد.

سوال - چطور شد که شما باشک کیش دیگر کشته نشدید؟

جواب - چون آنها آنجا بودند و من اینجا، دستشان به من نمی‌رسید.

سوال - آیا پس از کشته شدن آن ۶ کیش تغییراتی در کلیسا ایجاد شده است؟

جواب - به نظر می‌آید ۱۰ مبدورم ادامه پیدا کند.
سوال - پس از کشته شدن رومرو (اسقفی که در سال ۱۹۸۰ هنگام اجرای مراسم کشته شد) کلیسا تغییری نکرد؟
جواب - نه، هیچکدام از کلیساها در مراسم شمع جنازه او حاضر نشدند.

سوال - به نظر می‌آید که وجود شما در اینجا بخاطر مذهب نیست بلکه بخاطر مسائل اجتماعی و اقتصادی است.

جواب - بله! و همین دلیل حکومت و سلسله‌بندی

روحانیت مارا رد می‌کند. می‌گویند شما مسئله مذهبی ندارید. مردم اینجا آن روحانیون را مورد سوال قرار می‌دهند. آنها سوال می‌کنند که شما گفتید اینطور و آنطور، پس چه شد، چرا زندگی ما عوض نمی‌شود، اما دولت حرکت‌های ممانع می‌شود و در عوض از آنها حمایت می‌کند.

سوال - شما عملیات بزرگ بومبر ۸۶ را شاهد بودید (عملیات FLMN در شهرها و روستاها)

جواب - بله ارتش از وحشت ۲۰ بمب و ۷۲ راکت بر روی مردم پرتاب کرد و همه جا را برای دو روز زیر گمار سلاح‌های خود قرار داد.

سوال - رابطه FLMN با مردم چگونه است؟ می‌گویند مردم را خیلی اذیت می‌کند؟

جواب - کی گفته؟
- دولت آمریکا

جواب - دروغ می‌گویند. چطور می‌تونه چنین چیزی باشد؟ فکر می‌کنی اینجا از کجا آمده‌اند. این جوانهای FLMN که شما دیدید از کجا آمده‌اند. اینها همین مردم هستند. اکثر آنها هم پدر و مادر خود را از دست داده‌اند. آنها اگر اسلحه بگیرند و جنگند، می‌میرند، حتی جوانهای کم سن و سال. اینها از مردم دفاع می‌کنند. این کاملا دروغ است که مردم را اذیت می‌کنند.

سوال - اما ما شاهد زورگویی FLMN نسبت به مردم بودیم؟

جواب - کجا؟
خیط! آنها همه را می‌کشیدند وسط میدان کسه با ماشون برقی...

سوال - می‌دانید FLMN برای آنها همه چیز تهیه می‌کند. همه چیزهایی که دولت برایشان انجام نمی‌دهد. خصوصا دارو.

سوال - شما فکر کرده‌اید که به آمریکا بیایید و با مردم صحبت کنید؟

جواب - نه... ولی ماه اوریل به من گفته‌اند بیسا نمی‌روم چکار باید بکنم. ولی تصمیم گرفتم که بروم.

سوال - چه چیزی سبب وقوع صلح می‌شود؟ آیا به آن نزدیک هستیم؟

جواب - نمی‌دانم. الان زمان بخصوصی است. دولت ممکنه بخواد مذاکره کند و شاید هم جنگ بیشتر بشه.

سوال - در این مدتی که مادر اینجا بودیم رفتار چه‌ها ما را خیلی تحت تاثیر قرار داده است. آنها با کودکان ما بسیار متفاوت هستند. آنها با یکدیگر دوا نمی‌کنند بسیار مثنی و دوست داشتی هستند. چرا؟

جواب - نمی‌دانم. شاید به این دلیل که رنج کشیده‌اند.

دوشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر

میتینگ گروههای همبستگی بین المللی و دومین جلسه سالانه شهرهای خواهر

برخی از شهرها آمریکا گروههایی تشکیل داده‌اند که هر کدام از این گروهها بایک روستا در السالوادور همکاری کرده و به آنها کمک رسانی می‌کنند. مثلا سن حوزه لا فلورس با ما ساچوست در آمریکا و این شهرها و روستاها بدین علت شهرهای خواهر خطاب می‌شوند. مثلا سن حوزه ما ساچوست خواهر است و ۱۰۰ نفر این میتینگ نمایندگان دو طرف خود را معرفی کرده و بیانهایی برای یکدیگر می‌فرستند. دیگر گروههای همبستگی نیز توسط

نمایندگانشان پیامهای خود را می‌خوانند.

پیام نماینده سن حوزه لا فلورس

... با حضور شمارا وقتی هم که نیستید در اینجا احساس می‌کنیم شما خواهران و برادران واقعی ما هستید. این احساس همیشه با ما خواهد بود. شما مرزها را شکسته‌اید و از راه دور و با آگاهی از خطرات جانی بسیاریه اینجا آمده‌اید. شما بخشی از جنبش ما هستید. ما خواهان اتحاد همیشگی با شما هستیم تا بتوانیم کمک یکدیگر آینده‌ای زیبا و خوب بسازیم، تا بتوانیم مشکلات اجتماعی و اقتصادی را برطرف کنیم...

۱۵ ایالت آمریکا به ۱۵ شهر خواهر پیام می‌دهند و بالعکس.

از جمله این پیام‌ها

پیام آیدهو (امریکا)، " ما با امپریالیسم مبارزه خواهیم کرد " (کف زمین‌های شدید حصار).

پیام دیویدا اسکندراس (رئیس شورای شهری بستن): " دولت ما تصمیماتی می‌گیرد که برخلاف خواست ماست. بنابراین در کشور ما نیز دگرگونی وجود ندارد. ما هم مثل شما و در کنار شما مبارزه برای آزادی ادامه می‌دهیم."

پیام کمیته آوارگان السالوادور: " ما از مبارزات مردم خود حمایت می‌کنیم و در جنبش خود شرکت فعالانه داریم و عهد بسته‌ایم هر زمانی که لازم باشد و بتوانیم به کشورمان بازگردیم."

جلسه با اجرای موسیقی انقلابی و شعارهای اتحاد و پیروزی در ساعت ۲ بعد از ظهر به پایان رسید.

دوشنبه ساعت ۲ تا ۶ بعد از ظهر

ملاقات با زنان سن حوزه لا فلورس

سوال: شما اینجا را یک مجتمع سیاسی خطاب می‌کنید منظورتان چیست؟

جواب - مادر اینجا سیستم مدیریت دست جمعی داریم. تلا همه اختیارات ما در دست کیش‌ها بود. قوانین از طرف کیش‌ها تعیین می‌شد و برای ما بسیار گنج‌کننده بود. مثلا کیش‌ها برای همه چیز از مایسول می‌خواستند اما حالا تغییر کرده، کیش‌ها برای عشق به مردم کار می‌کنند و برای مردم کار خوب و سه نفع آنها انجام می‌دهند.

سوال - چه چیزهایی در زندگی شما نسبت به زندگی قبلی تغییر کرده است؟

جواب - در گذشته همه چیز برای ما بسیار سخت بود. ما نمی‌توانستیم تصمیم بگیریم حتی کتاب مقدس خودمان را هم نداشتم و تازه کتاب به زبان ما هم نبود اما حالا کتابمان به زبان خودمان است.

سوال - شما چطور بصورت دست جمعی زندگی می‌کنید؟

جواب - اینجا هرکس وظیفه‌ای بعهده دارد. یک خواهر روحانی می‌گوید: مثلا ما به بچه‌های خود درسهایی مسیحی می‌دهیم.

سوال - آیا خواندن و نوشتن هم به آنها یاد می‌دهید؟

جواب - بله، اما بچه‌ها در سطح‌های متفاوت هستند. ما چهار تا کلاس داریم و اول با نقاشی شروع می‌کنیم، کم کم آنها را برای این کلاسها آماده می‌کنیم اینها هم سلسله‌های ما هستند. اشاره می‌کند به چهار دختر جوان حدود ۱۴ ساله.

سوال - چه تفاوتی بین شما که خود را مجتمعی برپایه



دارند. آنها خیلی بیشتر می‌فهمند ما خوشحالیم که آنها مبارزه شرکت دارند. آنها از بچگی در جنگ بزرگ شده‌اند.

سوال - چطور است که بچه‌ها در اینجا اینقدر مودب و با شخصیت هستند اینها کاملاً با بچه‌های ما فرق دارند؟
جواب - همگی می‌خوانند. حقیقت ندارد و همه شان موافقت می‌کنند که بچه‌ها آنقدر هم که ما می‌گوئیم سرباز نیستند. آنها تحمیلانی ندارند. توی کوه‌ها زندگی کرده‌اند همیشه در تروس از سرباز، جنگ و سبب

خود را از دست بدهیم.

زنی دیگر در حالیکه لباس بسیار مرتبی پوشیده و لبخند بر لب دارد به ما می‌گوید: من ۱۰ تاجچه دارم ۸ تای آنها کشته شده‌اند و ناگهان لبخند از چهره‌اش محو می‌شود و ادامه می‌دهد: ماغم و رنج را حس کرده - ایم اما با اینحال به لزوم مبارزه معتقدیم ما از عدالت دفاع کرده و برای آن می‌جنگیم و این اشتباه نیست.

دوشنبه ۸/۲۰ شب

ملاقات با هیئت مدیره سن حوزه لافلورس

عده‌ای از مادر کلیسا، محلی که اکثر ملاقاتها و میتینگ‌ها صورت می‌گرفت، بدور ۵ نفر از مسئولین جمع شده و آنها شروع می‌کنند:

- اسم سن هیندرو است سن مسئول اول هیئت مدیره هستیم.

- اسم من استرا انت من معاون مسئول اول هستم

- اسم من حوزه است عضو فرماندهی هستم

- من روبرتو هستم، مسئول اجرای مقررات و دبیر سین

من هم مسئول بخش اطلاعات و تبلیغات هستم

هیندرو شروع می‌کند: ما در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ به سن

حوزه لافلورس بازگشتیم. وقتی به اینجا آمدیم ۲۶

خانواده بودیم که تصمیم به بازگشت گرفتیم. در آن

موقع ۱۲۶ نفر بودیم اما حالا پس از چهار سال ما ۲۲۵

خانواده هستیم که در اینجا زندگی می‌کنیم. ما بصدت

۶ سال از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ آواره بودیم تعداد زیادی

از ما دستگیر شده و تعدادی تیرکشته شدند. در ۱۲ مه

۱۹۸۰ دولت دست به کشتار دستجمعی ما زد که

بزرگترین آن در سومو صورت گرفت. فقط در یک

کشتار دستجمعی ۶۲۵ نفر از ما کشته شدند. بعد از آن

مادرکوه‌های اطراف پراکنده شدیم. بسیاری از زنان

و بچه‌های ما کشته شدند. آنها همه جا بدنیاال ما

می‌کشتند و تعدادی از ما را تیر دستگیر کردند، کشتند

و سوزاندند.

حوزه انگاه می‌کند: در سال ۱۹۸۲ چهار تا از بچه‌های

من توسط ارتش کشته شدند. سه تای آنها دختران

کوچک بودند.

مسئول اطلاعات و تبلیغات می‌گوید: هنوز اجساد

مردم در اطراف اینجا پیدا می‌شود.

هیندرو ادامه می‌دهد: اگر شما می‌توانستید یک

هفته در اینجا زندگی کنید و بانک تک خانواده‌ها صحبت

کنید برایتان می‌گویند که چه برسرخود و خانواده‌ها -

یشان آمده است.

روبرتو می‌گوید: من ۷ بچه‌ام کشته شده‌اند. مادر

اما حالا می‌فهمند که می‌توانند مساوات شوند و در این سن مجتمع رشد کنند. آنها می‌دانند که همه چیز را باید با دیگران تقسیم کنند. آنها در همه چیز با هم حرفه جویی کنند. برای غذا بروی هم نمی‌روند. زندگی در اینجا مبارزه و همکاری است. ما با هم کار می‌کنیم، مبارزه و همکاری می‌کنیم و به یکدیگر کمک می‌کنیم. اما در ضمن حالا هم که می‌بینید ساکت هستند چون شاهد اینها هستیم و گرنه آنقدرها هم ساکت نیستند و وقتی بروید شلوغ می‌کنند.

من - کنت یکی از کشیش‌های گروه ما سوال می‌کند من وقتی در آمریکا در کلیسای خودم این مسائل را مطرح می‌کنم مردم نمی‌خواهند بدانند می‌گویند ما نمی‌خواهیم از سعادت و از گرسنگی و بدبختی بشویم در ضمن اف - ام - ال - ان را هم قبول ندارند چون می‌گویند آنها مارکسیست هستند و فعلاً آنها به قهر معتقد نیستند.

جواب - این مشکل اساسی کلیساها است. زندگی مدرن آنها را به مسائل شخصی کشانده است و به مشکلات اجتماعی. اما در السالوادور اگر اسلحه نداشته باشی کشته می‌شوی قبلاً ما اسلحه نداشتیم و بطور دست جمعی کشته می‌شدیم. راه صلح آهسته آهسته ما وجود ندارد اگر اف - ام - ال - ان اسلحه دارد بخاطر اینکه مجبور شده است برای دفاع از خود دفاع کردن گناه نیست. ما نمی‌توانیم فراموش کنیم که مثلاً ۱۰ سال پیش چطور نمی‌توانستیم از خودمان دفاع کنیم قبلاً سلاح ما چوب و سنگ بود. یک تکه چوب در جورابان می‌گذاشتیم و این تنها سلاح ما بود. اف - ام - ال - ان اسلحه‌های خود را در جنگ با ارتش از خودشان گرفتند. ارتش میگه اف - ام - ال - ان از میانکار گوشه اسلحه گرفته است اما آنها اسلحه خود را از ارتش گرفته‌اند. قبلاً آنها ما را دستگیر می‌کردند. ما حتی کتاب مقدس خودمان را حق نداشتیم بخونیم. شروع می‌کند به گریه و می‌گوید برادرش بهمین دلیل کشته شده است. یک زن دیگر ادامه می‌دهد: ما می‌دانیم که خدا از ما چه می‌خواهد. ما قبلاً فرار می‌کردیم چون اسلحه نداشتیم و آنها بطور دست جمعی می‌کشتند و ما نمی‌توانستیم از خودمان دفاع کنیم مردم که فرار می‌کردند خود را به رودخانه می‌انداختند بعضی‌ها نمی‌توانستند شنا کنند و کشته می‌شدند و آنها هم که شامی کردند آنطرف رودخانه ارتش هدوران آنها را می‌گرفت و می‌کشت. کتاب می‌گوید خدا فراموش ما را فراموش کردیم. ما فراموش کردیم خودمان برویم همه چیز را بگذاریم و برویم فرزندان

گزارشی از السالوادور

مسیحیت می‌دانید با دیگر جاها وجود دارد؟
جواب - در آنجا کلیسا برای منافع خود کار می‌کنند و مردم هم سازماندهی ندارند. اما ما هم سازماندهی داریم و هم کلیسایمان برای منافع مردم کار می‌کنند. در جاهای دیگر مثل چلتننگام هم کم کم دارند مثل ما می‌شوند.

سوال - چند نفر خواهر روحانی بین شما وجود دارد؟
جواب - سه نفر

خواهر روحانی دنباله صحبت را می‌گیرد: ما با مردم و درست مثل آنها زندگی می‌کنیم. زندگی مادر اینجا دستجمعی ست و بر پایه ارزشهای مسیحی می‌باشد. چیزی که در اینجا تفاوت دارد این است که ایمان و اعتقادات ما از زندگی عادی و روزمره جدا نیست. مردم فقیر در اینجا روز بروز ترقی می‌کنند مثل اینکه کم کم از کود با لا می‌روند. همه چیز در حال پیشرفت و ترقی ست. عدالت اجتماعی، شخصیت افراد (در عین حال زندگی مردم ما آمیخته به خون است. در اینجا عدالت بخشی از ایمان و دین ماست. ما در اینجا وظایف مختلفی داریم. عده‌ای کار فرهنگی می‌کنند بعضی‌ها مزرعه‌ها را برای کشت آماده می‌کنند، بعضی‌ها وظیفه آوردن چوب برای سوخت اجاقها را بعهده دارند. بعضی‌ها تدریس می‌کنند. ما سهد کودک داریم که در آنجا ۵۰ بچه کودک نگهداری می‌شوند. رختشویی داریم. خیاطی داریم و هرکس وظیفه‌ای را بعهده گرفته است. ما همان رنجهایی را که مسیح تحمل کرده تحمل کرده‌ایم. مسیح اینجا است و ما زندگی می‌کنیم. ما زیسر سبب ما را زندگی می‌کنیم. راکت بر سرمان پرتسبب می‌شود و سربازان برای آزارمان می‌آیند و راجحتمان نمی‌گذارند.

سوال - نظرتان در مورد FLMN چیست؟

جواب - (خواهر روحانی جواب می‌دهد): تا آنجا که عقل من جواب می‌دهد آنها بازوی راست ما هستند. آنها برای زندگی مبارزه می‌کنند. برای زندگی بهتر. ما همه باید خود را آماده مرگ در راه انقلاب نگاه داریم. ما جوانانمان را در راه انقلاب می‌دهیم FLMN به ما کمک می‌کند. هیچکس دیگری ما کمک نمی‌کند. یک روز ما همه چیز را عوض خواهیم کرد. ما آنها را دوست داریم، بخاطر اینکه آنها برای بچه‌های ما، برای ما و برای صلح و آزادی می‌جنگند. آنها می‌جنگند که رنج ما را پایان دهند. وقتی سربازان می‌آیند ما حتی می‌ترسیم به مزرعه‌هایمان برویم، چون آنها را جابجا می‌کنند. ما می‌گیرند و می‌برند. آنها همیشه با نیت بد به اینجا می‌آیند. آنها مرکورال دیدن بچه‌های بی گناه را کشتند.

یک زن دیگر ادامه می‌دهد: FLMN برای عدالت و مساوات مبارزه می‌کند. ما همه چیز خود را با هم قسمت می‌کنیم. ما تیر و تفندمان سوار بر ما می‌بند. گران قیمتشان می‌شوند و همه چیز را از ما می‌گیرند. مسن اف - ام - ال - ان را دوست داریم. افرادی مثل ما زیاد هستند. ما به نفع آنها نیستند.

سوال - در مورد تازه جوانها در بین اف - ام - ال - ان چه فکری می‌کنید؟

جواب - ما خوشحالیم که آنها با بچه‌های تیر و تفندان فرق

اخبار و رویدادها

سختنای قذافی

سمرقذافی رهبر لیبی در روز اول اکتبر در مراسم هفدهمین سالگرد روی گد آ مدمش اعلام کرد که پادشاه عربستان سعودی شایسته عنوان خادم "حرمین شریفین" نیست و این عنوان باید از وی سلب شود. وی تاکید کرد که "مکه در حال حاضر زیر حفاقت امریکا قرار گرفته است." قذافی در طرح صلحی که برای حل بحران منطقه ارائه داده پیشنهاد نمود که نیروهای عراقی در برابر واگذاری یک جزیره و یک میدان نفتی، بخش اعظم خاک کویت را ترک کنند.

آزادی ایران حزب اللهی توسط اسرائیل

شبه نظامیان لبنانی تحت الحمایه اسرائیل سه فرماندهی آنتوان لخت روز دوشنبه اول اکتبر ۲۰ نفر از حزب اللهی های ایرانی مستقر در لبنان که در اسارت خود داشتند راحت عنوان یک اقدام بشعروستانه آزاد کردند.

شوروی و اسرائیل

اتحاد شوروی و اسرائیل روز ۳۰ سپتامبر موافقت کردند که روابط کنسولی خود را پس از ۲۳ سال سار دیگر برقرار کنند.

بلغارستان

لوکاف نخست وزیر بلغارستان هشدار داد که متوقف شدن اصلاحات و کمبود فاحش مواد غذایی و نفت سنگین است موجب یک جنگ داخلی شود. گواش خبرگزاری بلغارستان تحریم های اعلام شده از سوی سازمان ملل متحد علیه عراق موجب شده است که بلغارستان نتواند سه میلیون تن نفتی که بهای آنرا بیش تر پرداخت کرده است دریافت کند. بیشتر بلغارها در انتظار زمستانی بدون سوخت و حرارت هستند.

قیمت نفت

یک گزارش تحلیلی اقتصاددانان بانک جهانی نشان میدهد که اگر در خلیج فارس جنگ درگیر شود، بهای نفت سرعت ناشکهای ۶۵ دلار ترقی خواهد کرد و دست کم ۶۰ کشور در حال رشد در همان مراحل اولیه اقتصادشان اربین خواهند رفت. در همین گزارش پستی بندی شده که اگر بحران خلیج فارس بدون جنگ حل و فصل شود بهای نفت به سطح بشکهای ۲۰ دلار و ۵۰ سنت باز میگردند.

پرداخت بخشی از بدهی های ایران از طرف امریکا

به گزارش رادیو امریکا ۳۱ شهریور، امریکا مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار بابت مصلحتهایی که اسرائیل در زمان سلطنت شاه بهای آنرا پرداخته بود به ایران پرداخت کرد.

برنامه اقتصادی جمعی شوروی

به گزارش خبرگزاری رژیم شوروی تالی شوروی با ۲۲۲ رای مثبت در برابر ۱۱ رای منفی برنامه جدید در صفحه ۳

برخی از رویدادهای تاریخی

آبان ماه

داخلی:

- ۱۲۸۷/۸/۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسپال دموکرات های تبریز
- ۱۲۹۳/۸/۲۵ - درگذشت سردار ملی خلق ستارخان
- ۱۳۰۲/۸/۱۲ - ترور میرزا حبیبی واعظ کیمواسی (قزوینی) یکی از کمونیست های ایران در مقابل مجلس در شرایطی که طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مجلس مطرح شده بود.
- ۱۳۲۲/۸/۱۷ - آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در میدانگاههای رژیم شاه
- ۱۳۳۳/۸/۱۹ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت علی دکتور مصدق توسط مزدوران رژیم شاه
- ۱۳۳۳/۸/۷ - تصویب قرارداد رژیم شاه با کنسرسیوم بین المللی نفت به ابتکار پیرنوکو استعمار، علی امینی
- ۱۳۳۳/۸/۸ - تیرباران دومین گروه از افسران مبارز ارتش وابسته به حزب توده
- ۱۳۳۸/۸/۱۵ - اعتصاب کارگران کارخانه شینازاصهبان
- ۱۳۳۳/۸/۱۵ - تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امریکا (امپا، کاپیتو لاجیون) توسط مزدوران رژیم شاه در مجلس فرمایشی
- ۱۳۵۷/۸/۲ - آزادی گروهی از زندانیان سیاسی
- ۱۳۵۷/۸/۴ - آغاز " هفته همبستگی " توسط دانشجویان دانشگاه تهران
- ۱۳۵۷/۸/۸ - اعتصاب چهل هزار کارگر ذوب آهن با خواست لغو حکومت نظامی در کارخانه
- ۱۳۵۷/۸/۱۳ - کنشکار وحشیانه دانش آموزان دانشسرا جوان تهران در دانشگاه تهران بدست مزدوران رژیم شاه
- ۱۳۵۷/۸/۱۴ - سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی ازهاری و آغاز اعتصاب کارکنان رادیو و تلویزیون
- ۱۳۵۷/۸/۱۶ - انجام تظاهرات بزرگ مردم ایران در سراسر کشور
- ۱۳۵۸/۸/۱۳ - اشغال سفارت امریکا توسط مزدور ان رژیم خمینی موسوم به " دانشجویان خط امام "
- ۱۳۵۸/۸/۱۵ - سقوط کابینه مهدین بازرگان
- ۱۳۵۹/۸/۱۱ - اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه های مجاهد، بازوی انقلاب و فریاد کودکان توسط داستانی ارتجاع
- ۱۳۵۹/۸/۱۳ - قتل عام روستائیان ایندرفاش توسط مزدوران خمینی
- ۱۳۶۲/۸/۱۷ - تصویب طرح " خودمختاری کردستان ایران " در شورای ملی مقاومت روزهای بین المللی:
- ۲۴ اکتبر - ۲۲ آبان - روز ملل متحد
- ۱۰ نوامبر - ۱۹ آبان - روز جهانی جوانان
- ۱۷ نوامبر - ۲۶ آبان - روز جهانی دانشجو خارجی از ۲۳ اکتبر تا ۲۲ نوامبر
- ۷ نوامبر ۱۹۱۷ - پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و ایجاد کشور اتحاد شوروی
- ۱۰ نوامبر ۱۹۲۵ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دموکرات



در برابر تندرمی ایستند خانه را روشن می کنند و می بینند

شهادت فدایی آبان ماه

رفقای فدایی:

- سپهر سبیری - محمدرضا چمنی - علی نبیسی
- فرد - رحیم خدادادی - عثمان گرمی - هادی اشکانی - لقمان مدانش - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهگیر - مریم دژآگاه - مهزبان محمدی - سعید شریفی - هسایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخر طباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد سبیری - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسن خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط رژیم های شاه و خمینی شهادت رسیده اند.



NABARD E KHALGH NO: 76

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN B.P. 311 75229 PARIS CEDEX 05 FRANCE

لطفا بسته های بزرگ و نامه یقارشی به آدرس فرانسه ارسال نشمایند

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کنید. رسید و فیش رسید و ما فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال داریم.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک BOULOGNE - 5 - SEINE آدرس بانک 03760 کد گیشه 00050097851 شماره حساب MME; R - 1 - TALAT نام صاحب حساب